

# آیات منتخب

ویژه می پنجمین دوره مسابقات قرآنی

تسنیم

مربوط به رشته های: حفظ آیات منتخب و مفاهیم

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### توضیحات :

شرکت کنندگان محترم که در رشته های "مفظ آیات منتخب" و "مفاهیم" مسابقات «تسنیم» ثبت نام کرده اند ، توجه بفرمایند :

۱) ۲۰ آیه ی ۱ تا ۲۰ برای رشته ی "مفظ آیات منتخب" در نظر گرفته شده است . عزیزان باید علاوه بر قرائت صحیح آیات ، موضوع مربوطه را نیز به خاطر بسپارند که اگر عنوان موضوع گفته شد ، بتواند آیه را بخوانند یا بالعکس اگر آیه قرائت شد ، بتوانند موضوع را بگویند.

۲) تمامی ۴۰ آیه ی منتخب به همراه ترجمه و توضیحات برای رشته ی "مفاهیم" در نظر گرفته شده است . آزمون این رشته به صورت کتبی برگزار می شود . عزیزان علاوه بر مطالعه ی مطالب و پرسش های مرتبط ، ترجمه ی آیات را نیز به خوبی به خاطر بسپارند تا چنانچه از ترجمه هم سؤالی آمد ، پاسگو باشند.

## آیه شماره (۱)

### موضوع: « نجات از آتش جهنم »

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ  
عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم/ ۶)

### ترجمه:

ای مؤمنان ، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، حفظ کنید.  
بر آن فرشتگانی فشن و سفت گیر گمارده شده اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی کنند،  
و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می دهند.

**توضیح:** حفاظت و نگهداری خانواده ، به تعلیم و تربیت و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی است که نقش امر به معروف و نهی از منکر در این محیط بسیار اساسی می باشد. این برنامه در هر خانواده ای از شروع زندگی آغاز می گردد و سنگ بنایی است که می بایست از مقدمات ازدواج و تولد فرزند، پایه ریزی شود . البته پر واضح است که با توجه به احادیث و روایات و سیره ی ائمه معصومین علیهم السلام بهتر است این کار با عمل به خوبی ها و دوری از بدی ها صورت پذیرد . خانواده واحد کوچکی از اجتماع بزرگ است و تربیت فرد بطور صحیح و اصولی باعث اصلاح جامعه می گردد و در جامعه ی اسلامی هر کس نسبت به دیگری مسئول است و طبعاً در یک خانواده اعضاء در مقابل هم مسئول هستند و می بایست یکدیگر را به خوبی ها و دوری از بدی ها دعوت نمایند. ریشه عذاب روز قیامت گناه و معصیت پروردگار است . یعنی جرم و جریمه یکی است . جریمه ی روز قیامت متخلف همان تخلفی است که از او سر زده است و آتش از وجود خود او زبانه می کشد و انسانها آتش گیرانه ی دوزخ می باشند و شعله گرفتن مردم در دوزخ به دست خود آنان است . لذا هر گناهی که از انسان سر می زند به این معناست که او قبول کرده است ولی سوزندگی این آتش در روز قیامت تجلی می یابد .

### پرسشهای توضیحات:

۱- چگونه خود و خانواده ی خود را از آتش جهنم نجات دهیم ؟

**الف)** با کمک امکانات مالی **(ب)** با عمل به خوبی ها و دوری از بدی ها **(ج)** با فرار کردن از آتش جهنم **(د)** همه ی موارد

۲- باتوجه به توضیح مفهوم آیه ۶ سوره ی تحریم ، چگونه انسان ، هیزم آتش جهنم می شود ؟

**الف)** با تبدیل شدن بدن انسان به چوب یا سنگ **(ب)** با ریخته شدن مواد آتش گیرانه بر روی بدن انسان

**ج)** با انجام گناهان که تجلی سوزندگی آتش در قیامت است **(د)** گزینه های الف و ب

## آیه شماره (۲)

موضوع: « توجه به محرومان جامعه »

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ \* لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (معارف / ۲۴ و ۲۵)

ترجمه:

و آنان که در اموالشان حق معلوم است برای درفواست کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت]

توضیح:

خداوند توجه مؤمنان را به رفع نیاز نیازمندان جامعه یادآوری می نماید و به آنان فرمان می دهد تا به سائل (تھی دست) و محروم (از امکانات مادی) رسیدگی نمایند. این تذکری است برای نمازگزاران مؤمن و برخوردار از مواهب مادی که باید در کنار عبادات فردی به فکر مشکلات اقتصادی جامعه ی اطراف خود بوده و گرفتاران و نیازمندان را فراموش نمایند. همه جانبه نگری دین مبین اسلام از همین مواضع شکل می گیرد که مسلمان و مؤمن نه تنها باید به خود پردازد (عبادات و تهذیب و ...) بلکه باید در رفع مشکلات دیگران هم در حد توان کوشا باشد. به هر حال انجام این کار از يك سو اثر اجتماعی دارد، و با فقر و محرومیت مبارزه می کند، و از سوی دیگر اثر اخلاقی روی کسانی که به آن عمل می کنند می گذارد، و قلب و جانیشان را از حرص و بخل و دنیا پرستی می شوید.

تفاوت میان "سائل" و "محروم" این است که "سائل" کسی است که حاجت خود را می گوید و تقاضا می کند، و "محروم" کسی است که شرم و حیا مانع تقاضای او است، و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: "محروم کسی است که زحمت در کسب و کار می کشد ولی زندگی او پیچیده شده است".

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- باتوجه به توضیح مفهوم آیه ۲۴ و ۲۵، خواسته خداوند از ما چیست؟  
الف) توجه به نیاز محرومان      ب) انجام واجبات      ج) خواندن قرآن      د) رفتن به جهاد
- ۲- پیوند مالی و اقتصادی با محرومان چه اثری در بر خواهد داشت؟  
الف) مبارزه با فقر      ب) شستشوی قلبی از دنیا پرستی  
ج) پاکي جان از حرص و بخل      د) همه موارد

### آیه شماره (۳)

موضوع: « بهترین شیوه‌ی تذکر و تبلیغ »

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه / ۴۴)

ترجمه:

پس با گفتاری نرم به او بگویید، امید است که هوشیار شود و [آیین حق را بپذیرد]

یا بترسد [و از سرکشی باز ایستد].

توضیح:

خداوند در این آیه روش تذکر و تبلیغ را به حضرت موسی (ع) تعلیم می دهد و یادآوری می کند که شروع تربیت و ارشاد باید از طریق گفتگوی صمیمانه باشد . یعنی گام اول در امر به معروف و نهی از منکر، بیان نرم است. امیدها در نرمی است ، و از خشونت ، انتظار تأثیر نمی رود . حتی با سرکش ترین افراد نیز باید ابتدا با نرمی و لطافت سخن گفت، شاید که از عظمت خدا بترسد .

و اینکه فرموده: " فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا " : با فرعون به ملامت سخن گوئید ، چون مدارا از آداب دعوت به حق است . معنای "یتذکر" آنست که فرد، سخن تذکر دهنده را قبول کند و معنای "خشیت" آنست که شخص به قبول تذکر نزدیک گردد . " خشیت " ، ترس برخاسته از معرفت و احساس عظمت در برابر دیگری است .

پرسشهای توضیحات:

۱- باتوجه به توضیح مفهوم آیه ۴۴ ، شروع تربیت و ارشاد چگونه است؟

- الف) باصدای بلند و خشن  
ب) از طریق گفتگوی صمیمانه  
ج) باتندی و عجله کردن  
د) با کینه و کدورت

۲- کدام يك ، از آداب دعوت به حق می باشد ؟

- الف) مبارزه با باطل  
ب) بدون ملاحظه برخورد نمودن  
ج) مدارا کردن  
د) همه موارد

#### آیه شماره (۴)

**موضوع: « نرم خویی کلید جذب حداکثری »**

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ

فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران ۱۵۱)

**ترجمه:** [ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم فوی شدی، و اگر درشت فوی و سفت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

**توضیح:** خداوند در آیه فوق، نخست اشاره به یکی از مزایای فوق العاده اخلاقی پیامبر اکرم (ص) نموده و آن عبارت است از: نرم خویی و مهربانی با مردم و پرهیز از خشونت، تند خویی و سنگدلی.

"فظ" در لغت به کسی گویند که سخنانش تند و خشن است، و "غلیظ القلب" منظور کسی است که سنگدل باشد و عملاً انعطاف و محبتی نشان ندهد. لذا، این دو کلمه گرچه در معنای خشونت به کار می رود، اما غالباً "فظ" در مورد خشونت در سخن و "غلیظ القلب" در مورد خشونت در عمل استفاده می شود. و به این ترتیب خداوند اشاره به نرمش کامل پیامبر اکرم (ص) و انعطاف او در برابر افراد نادان و گنهکار می کند. سپس دستور می دهد که از تقصیر آنان بگذرد، و آنها را مشمول عفو خود گردان و برای آنها طلب آمرزش کن. پیامبر اکرم (ص) به فرمان خدا عمل کرد و آنها را بطور عموم مشمول عفو خود ساخت. و اگر پیامبر اکرم (ص) غیر از این می کرد زمینه برای پراکندگی مردم کاملاً فراهم بود. بدیهی است شخصی که در مقام رهبری قرار گرفته اگر خشن و تندخو و غیر قابل انعطاف و فاقد روح گذشت باشد، مردم از دور او پراکنده می شوند و از وظیفه رهبری باز می ماند و بهمین دلیل امام علی (ع) در یکی از کلمات قصار خود می فرماید: "آلة الرياسة سعة الصدر: ابزار رهبری، گشادگی سینه است."

#### پرسشهای توضیحات:

۱- معنای دقیق "غلیظ القلب" در کدام است؟

- (الف) خشونت در سخن  
(ب) گفتار تند و خشن  
(ج) خشونت در عمل  
(د) گفتار نرم و ظریف

۲- یکی از وسایل و ابزار رهبری در کلام امیرمؤمنان (ع) چیست؟

- (الف) گذشت نداشتن  
(ب) بدون ملاحظه برخورد نمودن  
(ج) غیر قابل انعطاف بودن  
(د) گشادگی سینه

## آیه شماره (۵)

**موضوع:** « تبعیت از پیامبر (ص) رمز دوستی خداوند »

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران/۳۱)

[ ای پیامبر! ]

**ترجمه:**

بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد،

و گناهانتان را ببامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

**توضیح:**

آیه فوق، مفهوم دوستی واقعی را تبیین می‌کند و فرق آن را با محبت کاذب و دروغین روشن می‌سازد. محبت تنها يك علاقه قلبی ضعیف و خالی از هر گونه اثر نیست بلکه باید آثار آن، در عمل انسان منعکس باشد. کسی که مدعی محبت و علاقه به پروردگار است، نخستین نشانه‌اش این است که از پیامبر و فرستاده او پیروی کند. در حقیقت، اثر طبیعی محبت است که انسان را به سوی "محبوب" و خواسته‌های او می‌کشاند. يك محبت اساسی حتما آثار عملی دارد، حتما دارنده آن را با محبوب پیوند می‌دهد، و در مسیر خواسته‌های او به تلاش پرتیر و می‌دارد. زیرا عشق و علاقه انسان به چیزی حتما به خاطر این است که کمالی در آن یافته است. لذا محبت انسان به خدا بدین جهت است که او منبع و سرچشمه اصلی هر نوع کمال است. مسلما چنین وجودی، تمام برنامه‌ها و دستورهایش نیز کامل است، و در این حال چگونه ممکن است انسانی که عاشق تکامل و پیشرفت است از آن برنامه‌ها، سرباز زند؟! و اگر سرباز زد، آیا این نشانه‌ی عدم واقعیت علاقه و محبت او نیست؟ در معانی الاخبار از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: " ما أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ : کسی که گناه می‌کند، خدا را دوست نمی‌دارد."

### پرسشهای توضیحات:

۱- مفهوم محبت و دوستی واقعی چیست؟

الف) تنها يك علاقه قلبی

ج) علاقه قلبی دارای آثار عملی در انسان

ب) علاقه قلبی خالی از هرگونه اثر

د) همه‌ی موارد

۲- در کلام امام صادق (ع) گناه کردن انسان، نشانه‌ی چیست؟

الف) دوست نداشتن خدا

ج) ناامیدی از رحمت

ب) نادانی و ناآگاهی

د) بی تفاوتی به سرانجام

## آیه شماره (۶)

**موضوع: « عدالت همیشه و همه جا »**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَيَّ أَلَّا تَعْدِلُوا  
اعْدِلُوا هُوَ قَرَبٌ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مانده ۸)

### ترجمه:

ای اهل ایمان! همواره [در همه امور] قیام کننده برای خدا و گواهان به عدل و داد باشید. و نباید دشمنی با گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نورزید؛ عدالت کنید که آن به پرهیزکاری نزدیک تر است. و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است

### توضیح:

" عدل " بعنوان یکی از اصول مذهب و از مهمترین مبانی فکری و عملی مسلمانان شناخته می شود. این آیه ضمن دعوت به قیام خالصانه برای خدا در راستای عدالت گسترده، به یکی از عوامل انحراف از عدالت اشاره نموده و به مسلمانان چنین هشدار می دهد که: « وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَيَّ أَلَّا تَعْدِلُوا »: نباید کینه ها و عداوت های قومی و گروهی و تصفیه حساب های شخصی، مانع از اجرای عدالت و موجب تجاوز به حقوق دیگران گردد، زیرا عدالت از همه اینها بالاتر است. در ادامه بار دیگر بخاطر اهمیت موضوع روی مساله عدالت تکیه کرده و می فرماید: « اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ». لذا باید توجه داشت که در راه اقامه ی عدل و قسط، دشمنی ها و مسائل شخصی و گروهی را کنار گذاشت و احساسات را کنترل کرد و گرنه تبعیض و بی عدالتی و فساد، کم کم در جامعه رسوخ پیدا می کند.

در کلام امیر مؤمنان (ع) در خطبه ۴۲ نهج البلاغه چنین آمده است: « أما إتباع الهوى فإنه يصد عن الحق : هوا پرستی شما را از حق باز می دارد. »

### پرسشهای توضیحات:

۱- در این آیه به کدامین عوامل انحراف از عدالت اشاره شده است؟

الف) کینه ها      ب) عداوت های قومی و گروهی      ج) تصفیه حساب های شخصی      د) همه ی موارد

۲- در کلام امیر مؤمنان (ع) چه عاملی انسان را از حق باز می دارد؟

الف) آرزوهای طولانی      ب) هوا پرستی      ج) ریاکاری      د) امور دنیوی



## آیه شماره (۷)

موضوع: « توجه به نظارت و نزدیکی خدا »

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَعَلَّمْنَا الْإِنْسَانَ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (ق / ۱۶)

ترجمه:

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که باطنش [نسبت به معاد و دیگر مقایق] به او وسوسه می کند، می دانیم،

و ما به او از رگ گردن نزدیک تریم. (۱۶)

توضیح:

یکی از راه های کنترل و تنظیم رفتار انسان که در قرآن کریم آمده این است که خداوند ناظر بر رفتار انسان است . اگر آیات کریمه از همان ابتدا به گونه ای کاربردی آموزش داده شوند که آدمی دائماً خود را در محضر خدا ببیند و قرب خداوند را احساس کند ، رفتارها به هنجار می شود . در این آیه تعبیر " ونحن اقرب الیه من حبل الوريد " بسیار جالب و تکان دهنده است . البته این يك تشبیه است و قرب خداوند از این هم برتر و بالاتر است ، هر چند مثالی از این رساتر در محسوسات پیدا نمی شود . با این احاطه ی همه جانبه ی خداوند ، تکلیف ما روشن است ، نه افعال و گفتار ما از او پنهان است ، و نه اندیشه ها و نیات ، و حتی وسوسه هایی که از قلب ما می گذرد . و این واقعیتی است که انسان را همواره بیدار و هوشیار نگه می دارد به شرط آنکه از آن غافل نشود . و این ممکن نیست مگر به ذکر دائمی ، لفظی و عملی . در نهج البلاغه ، حضرت علی علیه السلام در بسیاری از نامه های خویش خطاب به فرمانداران خود می فرماید: «حساب خود را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند مهمتر از حسابرسی مردم است » .

## پرسشهای توضیحات:

۱- در آیه فوق به کدام يك از راه های کنترل و تنظیم رفتار انسان اشاره شده است ؟

الف) نظارت فرشتگان      ب) نظارت اعضا و جوارح      ج) نظارت خدا      د) نظارت مردم

۲- در کلام حضرت علی (ع) چه چیز مهمتر خطاب شده است؟

الف) حسابرسی خداوند      ب) پاداش الهی      ج) عفو و گذشت پروردگار      د) مجازات و عذاب الهی

### آیه شماره (۸)

موضوع: « فتنه و آشوب، آفت بزرگ جوامع اسلامی »

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (انفال/ ۲۵)

ترجمه:

و از فتنه ای که (چون بیاید) تنها به ستمکاران شما نمی رسد ، بپرهیزید؛ و بدانید که خدا سفت کیفر است ( ۲۵ )

توضیح:

" فتنه " در اصل ، داخل کردن طلا در کوره است تا خوبی و بدی آن آشکار شود که در قرآن به دو معنا آمده است : ۱- آزمایش و امتحان ۲- بلاء ، مصیبت و عذاب . و در آیه ی فوق " فتنه " به معنای بلاها و مصائب اجتماعی است که دامن همه را می گیرد و به اصطلاح خشک و تر در آن می سوزند. و در حقیقت خاصیت حوادث اجتماعی چنین است : هنگامی که جامعه در اداء رسالت خود کوتاهی کند و بر اثر آن ، قانون شکنی ها و هرج و مرج ها و ناامنی ها و مانند آن به بار آید ، نیکان و بدان در آتش آن می سوزند . و خداوند در این آیه به همه ی جوامع اسلامی اخطار می کند و مفهوم آن این است: افراد جامعه نه تنها موظفند وظایف خود را انجام دهند بلکه موظفند دیگران را هم به انجام وظیفه وادارند . زیرا اختلاف و پراکندگی و ناهماهنگی در مسائل اجتماعی موجب شکست برنامه ها خواهد شد و دود آن به چشم همه می رود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند (با عزت و جلال) هرگز عموم را به خاطر عمل گروهی خاص مجازات نمی کند مگر آن زمان که منکرات در میان آنها آشکار گردد و توانایی بر انکار آن داشته باشند در عین حال سکوت کنند ؛ در این هنگام خداوند آن گروه خاص و همه توده اجتماع را مجازات خواهد کرد.

### پرسشهای توضیحات:

۱- معنای فتنه در این آیه چیست ؟

الف) بلاها و مصائب اجتماعی      ب) آزمایش و امتحان      ج) عذاب اخروی      د) مجازات فردی

۲- در کلام پیامبر اکرم (ص) چه زمانی مجازات شامل عموم مردم می گردد؟

الف) زمانی که منکرات در میان مردم آشکار گردد.      ب) زمانی که مردم توانایی بر انکار منکرات داشته باشند .  
ج) زمانی که مردم در برابر منکرات سکوت کنند .      د) همه ی موارد

## آیه شماره (۹)

### موضوع: « گذشت بهتر از انتقام »

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا؛ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ؛ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (شوری / ۴۰)

### ترجمه:

پاداش بدی [پهون قتل و زخم زدن و اتلاف مال] مانند همان بدی است؛ ولی هر که بگذرد و [میان فود و طرف مقابلش را] اصلاح نماید. پاداشش بر عهده خداست؛ یقیناً خدا ستمکاران را دوست ندارد. (۴۰)

### توضیح:

یاری رساندن به یکدیگر نباید از مسیر عدالت خارج شود، و به انتقام جویی و کینه توزی و تجاوز از حد منتهی گردد. این تعبیر می تواند مقدمه ای باشد برای دستور عفو که در جمله بعد آمده، گویی می فرماید: مجازات هر چه باشد یک نوع آزار است، و اگر مجرم پشیمان شده باشد شایسته عفو است. عفو در جایی است که انسان قدرت بر انتقام دارد و اگر می بخشد از موضع ضعف نیست که این عفو سازنده است، هم برای مظلوم پیروز که به او تسلط بر نفس و صفای دل می بخشد، و هم برای ظالم مغلوب که او را به اصلاح خویش وا می دارد. درست است که حقی از انسان ضایع شده و در مقابل ظاهراً چیزی نگرفته، اما به خاطر گذشتی که از خود نشان داده، خداوند متعال پاداش او را خود مرحمت می کند. این گذشت باعث کاهش کینه ها، افزایش محبت، انسجام و آرامش جامعه می شود. و چه تعبیر جالبی است تعبیر "علی الله": گویی خداوند خود را مدیون چنین کسی می داند و می گوید اجرش بر عهده من است! از آن سوی مجازات و انتقام و مقابله به مثل در جایی است که ظالم هنوز از مرکب شیطان پیاده نشده، و مظلوم پایه های قدرت خود را محکم نکرده، که در اینجا عفو از موضع ضعف است و باید اقدام به مجازات کند.

در پایان آیه می فرماید: " إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ " تشویق به عفو و اصلاح، برای دفاع از ظالم نیست چراکه ظالم محبوب خدا نیست خواه ابتداءً ظلم کند یا در انتقام پا را از حق فراتر گذارد. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است: "هنگامی که روز قیامت می شود (از سوی خداوند) کسی ندا می دهد: هر کس اجر او بر خدا است وارد بهشت شود، گفته می شود: چه کسی اجرش بر خداست؟ در جواب به آنها می گویند: کسانی که مردم را عفو کردند، آنها بدون حساب داخل بهشت می شوند.

### پرسشهای توضیحات:

۱- باتوجه به توضیحات، در چه زمانی گذشت انسان از موضع ضعف اوست؟

(الف) زمانی که مجرم پشیمان شده است

(ب) وقتی که انسان قدرت بر انتقام دارد

(ج) هنگامی که مظلوم پایه های قدرت را محکم نکرده

(د) هر سه گزینه

۲- در کلام پیامبر اکرم (ص) چه کسی اجرش بر خداست؟

(الف) کسانی که انفاق می کنند

(ب) کسانی که مردم را عفو کردند

(ج) انتقام گیرندگان

(د) کسانی که مقابله به مثل می کنند

## آیه شماره (۱۰)

### موضوع: «از محبت خارها گل می شود»

وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ ادْفَعِ بِالَّتِی هِیَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِی بَیْنَكَ وَ بَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَاَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیْمٌ (فصلت/ ۳۴)

### ترجمه:

نیکی با بدی برابر نیست؛ به بهترین شیوه (دیگران را از چالاش با خود) باز دار،  
ناگاه آن کس که میان تو و او دشمنی است چون دوستی مهربان می‌گردد. (۳۴)

### توضیح:

مردم چند دسته‌اند: (۱) کسانی که دوست خود را حفظ می‌کنند. (۲) گروهی که دوست خود را نسبت به خود بی تفاوت می‌کنند. (۳) افرادی که دوست خود را به دشمن تبدیل می‌کنند. (۴) اشخاصی که دشمن را به دوست تبدیل می‌کند.

این آیه، وصف حال گروه چهارم است. اینان بدی‌ها را با خوبی پاسخ می‌دهند و اهل انتقام نیستند. فلذا با اخلاق خوش و سعه‌ی صدر، دشمنان را به دوست تبدیل می‌نمایند. **امام زین العابدین (ع)** در دعای مکارم الاخلاق به خدا عرضه می‌دارد: خدایا توفیق ده که در برابر غیبت مردم از من، نیکی آنان را بگویم و از بدی‌شان در گذرم و هر که با من قطع رابطه کرد، با وی معاشرت نمانم. و این سیره‌ی پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان (ع) بوده که با برخورد‌های جذاب و صمیمانه، سرسخت‌ترین مخالفان را به دوست و طرفدار تبدیل می‌نمودند.

از آن طرف مخالفان به چند دسته تقسیم می‌شوند که باید با هر کدام به نحوی عمل کرد: (۱) گاهی افراد به خاطر جهل و نادانی در برابر حق قرار می‌گیرند و دشمنی می‌کنند که این آیه دستور محبت و برخورد احسن می‌دهد. (۲) گاهی مخالفت افراد بر اساس شك و تردید است که باید با آنان از طریق استدلال و برطرف کردن شبهات برخورد کرد. (۳) گاهی مخالفت بر اساس حسادت است که باید با اغماض برخورد کرد. (۴) گاهی مخالفت به خاطر حفظ موقعیت و رفاه و کامیابی‌های مادی است که در این موارد اتمام حجت کافی است.

### پرسشهای توضیحات:

۱- در دعای مکارم الاخلاق، امام زین العابدین (ع) از خداوند چه می‌خواهد؟

- (الف) گفتن نیکی مردم در برابر غیبت  
(ب) مجاهده در برابر غیبت  
(ج) با عدالت رفتار کردن در مقابل دشمن  
(د) شهادت در مقابل دشمن

۲- طبق آیه فوق برخورد احسن و با محبت با کدام گروه دستور داده شده است؟

- (الف) افرادی که بر اساس شك و تردید مخالفت می‌کنند  
(ب) افراد جاهل و نادانی که در برابر حق قرار می‌گیرند  
(ج) حسودان  
(د) مرفهین مخالف

## آیه شماره (۱۱)

### موضوع: « انتخاب اندیشه برتر »

وَالَّذِينَ اجْتَنَّبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى؛ فَبَشِّرْ عِبَادِ  
الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ، وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/۱۷)

### ترجمه:

و کسانی که از پرستیدن طاغوت [یعنی بت ها، اربابان کفر و شیطان های سرکش] دوری کردند و به سوی خدا بازگشتند، بر آنان مژده باد؛ پس به بندگانم بشارت ده. (۱۷) آنان که سخن را می شنوند و از بهترینش پیروی می کنند، اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان فردمندانند. (۱۸)

### توضیح:

در این دو آیه که به صورت يك شعار اسلامی درآمده، آزاداندیشی مسلمانان، و انتخابگری آنها را در مسائل مختلف بخوبی نشان می دهد. نخست می گوید: " فَبَشِّرْ عِبَادِ " این بندگان خدا کیانند؟ : " آنها سخنان افراد را بدون در نظر گرفتن گوینده و خصوصیات دیگر گوش می دهند و بانیروی عقل و خرد، بهترین آنها را بر می گزینند. اینان هیچگونه تعصب و لجاجتی ندارند و محدودیتی در فکر و اندیشه آنها وجود ندارد. آنها جویای حقتند و تشنه حقیقت، هر جا آن را بیابند با تمام وجود از آن استقبال می کنند، و از چشمه زلال آن بی دریغ می نوشند و سیراب می شوند. آنها نه تنها طالب حقتند و تشنه گفتار نیک، بلکه در میان "خوب" و "خوبتر" و "نیکو" و "نیکوتر" دومی را برمی گزینند، خلاصه آنها در میان کلام و گفتار دیگران خواهان بهترین و برترینند. آری این است نشانه يك مسلمان راستین و مؤمن حق طلب. جالب اینکه قرآن در آیه فوق صاحبان "هدایت الهی" را منحصر در این قوم شمرده، همانگونه که خردمندان را منحصر به این گروه دانسته است، اشاره به اینکه این گروه مشمول هدایت ظاهر و باطنند، هدایت ظاهر از طریق عقل و خرد، و هدایت باطن از طریق نور الهی و امداد غیبی. در کلمات قصار (شماره ۸۰) نهج البلاغه از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم: "گفتار حکمت آمیز گمشده مؤمن است، پس حکمت را بگیر هر چند از اهل نفاق صادر شود."

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- بشارت خداوند در آیه فوق شامل چه گروهی است؟  
الف) شنوندگان همه ی سخنان      ب) انتخاب کنندگان سخنان بهتر      ج) بینندگان افراد نیکوکار      د) الف و ب
- ۲- در کلام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) دریافت چه چیزی مورد تأکید قرار گرفته است؟  
الف) حکمت      ب) اندیشه درخوراک      ج) همه ی سخنان      د) عقل

## آیه شماره (۱۲)

### موضوع: « غفلت از یاد حق و پی آمدهای آن »

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه/۱۲۴)

#### ترجمه:

و هر کس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امور است] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سفتی] فواید بود، و روز قیامت او را نابینا ممشور می‌کنیم.

#### توضیح:

گاه می‌شود درهای زندگی به روی انسان بسته می‌شود، و دست به هر کاری می‌زند توفیقی و گشایشی حاصل نمی‌گردد. منظور از "معیشت ضنک" در آیه فوق نیز همین است. گاهی تنگی معیشت به خاطر درآمد کم نیست ولی بخل و حرص و آز و اعراض از یاد خدا زندگی را بر او تلخ و تنگ کرده است. به فرموده امام علی (علیه السلام) اینان: "همچون فقیران زندگی می‌کنند و همانند ثروتمندان حساب پس می‌دهند!". اصولاً تنگی زندگی بیشتر به خاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است، به جهت عدم اطمینان به آینده و ترس از نابودی اموال و دارایی‌ها و وابستگی بیش از حد به مادیات. ولی کسی که ایمان به خدا دارد و دل در گرو ذات پاک او بسته، از همه ی ترس‌ها و نگرانی‌ها در امان است. "أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" (یونس/۶۲)

از امام صادق (علیه السلام) سوال شد، منظور از آیه "مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا" چیست؟ فرمود: اعراض و نپذیرفتن ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است. "آری هر کس الگوی خود را زندگانی علی (علیه السلام) قرار دهد، جهان در نظرش خرد و حقیر گردد و زندگانیش توأم با آرامش و اطمینان باشد. اما آنان که این الگوهای الهی را فراموش کنند در هر شرائطی گرفتار "معیشت ضنک" هستند.

#### پرسشهای توضیحات:

۱- منظور از "معیشت ضنک" در آیه فوق چیست؟

الف) توفیق نداشتن در امور زندگی

ب) بسته شدن درهای زندگی بر روی انسان

ج) حاصل نشدن گشایش در کارها

د) همه ی موارد

۲- چگونه می‌توان از همه ی نگرانی‌ها در امان بود؟

الف) ایمان به خدا      ب) دل بستن به ذات پاک خدا      ج) وابستگی به مادیات و دارایی‌ها      د) موارد الف و ب

### آیه شماره (۱۳)

**موضوع:** « بهترین راه دعوت، گفتگوی منطقی و بند سودمند »

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (نحل / ۱۲۵)

#### ترجمه:

[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز،

یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه یافتگان دانایتر است. (۱۲۵)

#### توضیح:

این آیه دستور جامعی است برای همگان؛ مسعولین، مریبان، معلمان، علما، اساتید، مبلغان و... که برای موفقیت تبلیغی خود شیوه‌های گوناگونی را با توجه به مخاطبان خویش به کار گیرند:

- ۱) "أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ" خواص را با حکمت و استدلال، مخاطب قرار دهند. "حکمت" به معنای علم و دانش و منطق و استدلال است، و از آنجا که علم و دانش و منطق و استدلال مانع از فساد و انحراف است به آن حکمت گفته می‌شود.
- ۲) "وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ" عوام و توده‌های عظیم مردم را از طریق موعظه و اندرز دعوت کنند. یعنی استفاده از عواطف و احساسات، که بُعد عاطفی مخاطبین را تحت تأثیر قراردادده و به حق متمایل کند. البته قید "حسنه" شاید اشاره به این باشد که خیرخواهی و موعظه باید همراه بامهربانی، تواضع، تکریم، و تحریک حس همراهی و همگامی با مخاطب باشد تا مؤثر واقع شود.
- ۳) "وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" این روش مخصوص کسانی است که ذهنشان انباشته از اندیشه‌های نادرست است و باید از طریق مناظره تخلیه شوند تا آمادگی برای پذیرش حق پیدا کنند. بدیهی است این مجادله و مناظره وقتی مؤثر است که "بالتی هی احسن" باشد. یعنی علاوه بر اینکه باید صدق و راستی بر آن حکومت کند، باید از هر گونه توهین و تحقیر و تکبر و ورزی و... فاصله داشته باشد.

#### پرسشهای توضیحات:

۱- باتوجه به توضیحات، کدام یک با روش "حکمت" مورد دعوت قرار می‌گیرد؟

الف) توده‌های عظیم مردم      ب) خواص از مردم      ج) انسانهای عادل و منصف      د) نمازگزاران

۲- در روش "مجادله" علاوه بر صداقت و راستی از چه چیز باید فاصله داشت؟

الف) از تحقیر      ب) از توهین      ج) از تکبر و ورزی      د) همه‌ی موارد

## آیه شماره (۱۴)

**موضوع:** « خیر خواهی (امر به معروف ونهی از منکر) ویژگی مؤمنان راستین »

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران/۱۰۴)

**ترجمه:** و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم] را به سوی فیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، موااسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند که یقیناً رستگارند. (۱۰۴)

**توضیح:** "معروف" در لغت به معنی "شناخته شده" و "منکر" به معنی "ناشناس" است. لذا کارهای نیک، اموری شناخته شده، و کارهای زشت و ناپسند، اموری ناشناس معرفی شده‌اند. چه اینکه فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با دوم ناآشنا است! مسئله "امر به معروف" و "نهی از منکر" در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت افراد است، زیرا اگر این امر ونهی در اجتماع مسلمین نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای "وحدت اجتماعی" هستند، همچون موربانه از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند، و آن را از هم متلاشی می‌سازند، بنا بر این حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست! در آیه فوق دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید گروهی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند: مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند، و از بدی‌ها باز دارند. و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است. **امام باقر علیه السلام** می‌فرماید: "امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و روش نیکوکاران است. دو فریضه بزرگ الهی که بقیه فرائض با آنها برپا می‌شوند، و بوسیله این دو، راهها امن می‌گردد، و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تامین می‌گردد، و در سایه آن زمینها آباد، و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود، و در پرتو آن، همه ی کارها روبراه می‌گردد". (کافی، ج ۵، ص ۵۶)

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- فطرت پاک انسانی با کدام یک آشنا است؟  
الف) کارهای زیاد      ب) امور ناپسند      ج) کارهای نیک      د) کارهای کم
- ۲- کدام گزینه در کلام امام باقر علیه السلام از جمله نتایج درخشان امر به معروف ونهی از منکر شمرده شده است؟  
الف) رسوایی بدکاران      ب) تأمین حقوق افراد اجتماع      ج) رسیدگی به جرائم افراد      د) معرفی نیکوکاران



## آیه شماره (۱۵)

**موضوع:** « سرنوشت جامعه به دست خود انسانها »

... إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ... (رعد ۱۱)

**ترجمه:**

... در حقیقت خدا سرنوشت قومی را تخریب نمی دهد تا آنکه آنان مال خود را تخریب دهند ...

**توضیح:**

این جمله يك قانون کلی و عمومی را بیان می کند. این اصل قرآنی که یکی از مهمترین برنامه های اجتماعی اسلام است، به ما می گوید هرگونه تغییرات برونی متکی به تغییرات درونی ملتها و اقوام است و هرگونه پیروزی و شکستی که به قومی رسید از همین جا سر چشمه می گیرد. بنابراین آنها که همیشه برای تیره خویش به دنبال «عوامل برونی» می گردند، و قدرتهای سلطه گر و استعمار کننده را همواره عامل بدبختی خود می شمارند، سخت در اشتباهند. چرا که اگر این قدرتهای جهنمی پایگاهی در درون يك جامعه نداشته باشند، کاری از آنان ساخته نیست. این اصل قرآنی می گوید: برای پایان دادن به بدبختی ها و ناکامی ها باید دست به انقلابی از درون بزیم، يك انقلاب فکری و فرهنگی، يك انقلاب ایمانی و اخلاقی، و به هنگام گرفتاری در چنگال بدبختیها باید فوراً به جستجوی نقطه های ضعف خویشتن پردازیم، و آنها را با آب توبه و بازگشت به سوی حق از دامان روح و جان خود بشوییم. تولدی تازه و نور و حرکتی جدید پیدا کنیم، تا در پرتو آن بتوانیم ناکامی ها و شکست ها را به پیروزی مبدل سازیم. امام سجاد علیه السلام با اشاره به این آیه فرمودند: " گناهایی که نعمت ها را تغییر می دهند عبارتند از: ظلم به مردم، ناسپاسی خداوند و رها کردن کارهای خیری که انسان به آن عادت کرده است". (معانی الاخبار ص ۲۷۰)

**پرسشهای توضیحات:**

- ۱- باتوجه به توضیح آیه، پیروزی و شکست جوامع بشری از کجا سرچشمه می گیرد؟
- الف) تغییر ظواهر و پوشش ها      ب) تغییر محیط زیست      ج) تغییر امکانات و رفاهیات      د) تغییرات درونی ملتها و اقوام
- ۲- در کلام امام سجاد علیه السلام کدام گناه نعمت ها را تغییر می دهد؟
- الف) قتل نفس      ب) ترک وصیت      ج) ظلم به مردم      د) ترک نماز

### آیه شماره (۱۶)

**موضوع:** « از بین رفتن عظمت مسلمین نتیجه اختلاف و درگیری »

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال / ۴۶)

**ترجمه:** و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و افتلاف مکنید، که سست و بد دل می شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

### توضیح:

اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در این آیه به آن فرمان داده شده است و این فرمان باید در تمام زمینه‌ها رعایت شود، مخصوصاً در حال جنگ و درگیری با دشمن که ضرورت بیشتری دارد. نزاع و کشمکش میان مسلمانان باعث ایجاد اختلاف و ضعف اراده می‌گردد و در نتیجه عزت و غلبه بر دشمن از دست می‌رود. و چون اختلاف، وحدت کلمه و شوکت و نیروی اهل ایمان را از بین می‌برد، می‌بایست همواره در برابر مصائب و ناملازمات، ملازم یاد خدا و اطاعت از او و رهبران الهی بود. و اگر امر به صبر فرمود؛ برای این است که صبر قوی‌ترین یاور در شدائد، و محکم‌ترین رکن در استعانت و پایداری است. و همین صبر است که به انسان فرصت تفکر صحیح داده و به منزله خلوتی است که در هنگام هجوم افکار پریشان و صحنه‌های هول‌انگیز و مصائب به انسان فرصت می‌دهد که با فکر درست، رأی مطمئن و صد در صد اتخاذ کند. مسلمانان نیز باید در اطاعت و وحدت، پایدار بوده و اگر چیزی بر خلاف تمایلشان بود، یا عمل شد، صابر بوده و یکدیگر را به صبر و تحمل توصیه نمایند. زیرا ایمان به اینکه خداوند با صابران است، انسان را به صبر و پایداری سوق می‌دهد. و نصرت و امداد الهی، با صابران است. **امام علی (علیه السلام)** فرمود: پس بنگرید به آخر کارشان (قوم بنی اسرائیل) آن هنگام که بین آنها تفرقه افتاد، و مهربانی و الفت‌ها به هم خورد و سخن‌ها و دل‌ها مختلف گردید و گروه‌گروه شدند و به جان هم افتادند و پراکنده گشتند و با هم جنگیدند. پس خداوند، لباس عزت را از تن آنها برکند و فراوانی نعمتش را از آنها گرفت و آنچه باقی مانده، سرگذشت آنان است تا مایه عبرت عبرت‌گیرندگان باشد. (نهج البلاغه / خطبه ۱۹۲)

### پرسشهای توضیحات:

۱- چه چیزی به انسان فرصت تفکر صحیح می‌دهد؟

الف) رفتار شایسته      ب) صبر      ج) اخلاق خوب      د) رأی مطمئن

۲- در کلام امام علی (علیه السلام) عاقبت اختلاف و تفرقه قوم بنی اسرائیل چه شد؟

الف) مهربانی و الفت‌ها به هم خورد      ب) پراکنده گشتند و با هم جنگیدند  
ج) خداوند، لباس عزت را از تن آنها برکند      د) همه‌ی موارد

## آیه شماره (۱۷)

موضوع: « سیمای زیان‌کارترین انسان‌ها در قرآن »

قُلْ هَلْ تُنْبِئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳) الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (کهف/۱۰۴)

### ترجمه:

بگو: آیا می‌فهمید شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانیم؟ (آنان) کسانی هستند که تلاششان در زندگی دنیا به هدر رفته [و ناپود شده] است در حالی که خود می‌پندارند، فوب عمل می‌کنند.

### توضیح:

این آیه در عین این که توضیحی است برای صفات افراد بی‌ایمان، يك نوع جمع بندی است برای تمام بحثهایی که در این سوره وجود دارد. نخست به معرفی زیانکارترین انسان‌ها می‌پردازد، اما برای تحریک حس کنجکاوی مخاطبان، آن را در شکل يك سؤال مطرح می‌کند و به پیامبر دستور می‌دهد: « بگو: آیا می‌خواهید به شما خبر دهیم زیانکارترین مردم کیست؟! »! بلافاصله خود پاسخ می‌گوید تا شنونده مدت زیادی در سرگردانی نماند: زیانکارترین مردم « کسانی هستند که کوشش‌هایشان در زندگی دنیا گم و نابود شده با این حال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند! »! مسلماً مفهوم خسران تنها این نیست که انسان منافعی را از دست بدهد بلکه خسران واقعی آن است که اصل سرمایه را نیز از کف بدهد. چه سرمایه‌ای برتر و بالاتر از عقل و هوش و نیروهای خدادادی و عمر و جوانی و سلامت است؟ همین‌ها که محصول اعمال انسان است و عمل ما تبلوری است از نیروها و قدرتهای ما. هنگامی که این نیروها تبدیل به اعمال ویرانگر یا بیهوده‌ای شود گوئی همه آنها گم و نابود شده‌اند. اما زیان واقعی و خسران مضاعف آنجاست که انسان سرمایه‌های مادی و معنوی خویش را در يك مسیر غلط و انحرافی از دست دهد و گمان کند کار خوبی کرده است، نه از این کوشش‌ها نتیجه‌ای برده، نه از زیانش درسی آموخته، و نه از تکرار این کار در امان است. امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید: " مسیحیان، کشیش‌ها، راهبان، اهل شبهه، مسلمانانی که از هواهای نفسانی خود تبعیت می‌کنند، خوارج و هر کسی که بدعتی را ایجاد کند از مصادیق این آیه خواهند بود." (وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۷۲)

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- باتوجه به توضیحات، خسران واقعی کدام است؟  
(الف) اینکه انسان منافعی را از دست بدهد  
(ب) نابودی خانه وامکانات در زلزله  
(ج) اینکه انسان اصل سرمایه را از کف بدهد.  
(د) مردن
- ۲- در کلام امام باقر علیه السلام کدام گزینه، از مصادیق زیانکارترین انسان‌ها می‌باشد؟  
(الف) اهل دنیا (ب) هر کسی که بدعتی را ایجاد کند (ج) انسانهای ورشکسته (د) تاجران

## آیه شماره (۱۸)

موضوع: « سیمای نیازمندان آبرومند از نگاه قرآن »

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ  
لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره / ۲۷۳)

### ترجمه:

( صدقات ) حق نیازمندی است که در راه فدادر مضیقه و تنگنا افتاده اند [و برای فراهم کردن هزینه (زندگی) نمی توانند در زمین سفر کنند؛ فرد ناآگاه آنان را از شدت پارسایی وعفتی که دارند توانگر و بی نیاز می پندارد. (تو ای رسول من! ] آنان را از سیمایشان می شناسی. [آنان] از مردم به اصرار پیزی نمی فوهند. و شما ای اهل ایمان! آنچه از مال انفاق کنید، یقیناً خدا به آن داناست.

### توضیح:

در این آیه ویژگی های فقرا و نیازمندان واجد شرایط برای انفاق و کمک مالی بیان شده است: ۱- آنها در راه خدا در تنگنا و مضیقه مالی قرار گرفته اند؛ یابه خاطر اشتغال به جنگ و جهاد و نبرد با دشمن یا بیماری یا طلب علم و عوامل دیگر و البته اینان برای امرار معاش و کسب درآمد از مسافرت هم معذورند. ۲- اینان از شدت عفاف و شخصیت والایشان نزد عوام و افراد بی اطلاع، غنی و بی نیاز شمرده می شوند. البته این سخن به آن مفهوم نیست که اصلاً قابل شناسایی نیستند! برای همین می فرمایند: "تعرفهم بسیماهم" یعنی در چهره هاشان آثاری از رنج های درونی وجود دارد که برای انسان های فهمیده آشکار می شود. ۳- ایشان " لا یسألون الناس إلحافاً" با اصرار چیزی از مردم نمی فوهند. یعنی اهل درپوزگی و تکدی گری نیستند. همان جلوه های زشتی که بعضاً در جامعه دیده می شود و کاسبان به ظاهر نیازمند! به آن مبادرت می کنند. در پایان آیه، خداوند متعال مجدداً همگان را به انفاق از هرگونه خیرات خصوصاً به افرادی که دارای طبع بلند و عزت نفس اند، تشویق کرده و می فرماید: " وما تنفقوا من خیر فان الله به علیم ". در روایات متعدد از تکدی و تقاضای کمک از مردم توسط افراد بی نیاز، نکوهش شده است. امام باقر(ع) می فرماید: پیامبر خدا(ص) فرمود: صدقه دادن به ثروت مند روا نیست، همچنین به نیرومند تن درست، صاحب حرفه، و به انسان قادر بر کار. اصحاب پرسیدند: مقصود از این سخن چیست؟ فرمود: بر کسی که می تواند از گرفتن صدقه خودداری کند، گرفتن آن حلال نیست. (وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۳۳)

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- باتوجه به توضیحات، ویژگی فقرای واجد شرایط کدام است؟  
الف) در راه خدا در مضیقه مالی قرار گرفتن ب) درخواست کمک بدون نیاز ج) تکدی گری د) باصرار از مردم درخواست کردن
- ۲- در کلام پیامبر خدا(ص) کدام گزینه، از مصادیق ناروا بودن دریافت صدقه می باشد؟  
الف) نیرومند تن درست ب) هر کسی که در خواستی را بنماید ج) انسان قادر بر کار د) الف و ج

### آیه شماره (۱۹)

موضوع: « حفظ عزت و استقلال همه جانبه ی مسلمانان »

...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء / ۱۴۱)

#### ترجمه:

... و خداوند هرگز برای کافران نسبت به مومنان راه [ تسلطی ] قرار نداده است .

#### توضیح:

در این آیه به دنبال بیان بخش دیگری از ویژگی های منافقان و اندیشه‌ها و عملکرد پریشان آنان ، این نکته را به اهل ایمان گوشزد می‌کنند که نباید مرعوب آنها شوند : " وَ لَنْ يَجْعَلَ ... " یعنی کافران نه تنها از نظر منطقی بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر مؤمنان ، چیره نخواهند شد ؛ البته بشرطها و شروطها ! و آن اینکه مسلمانان به واقع مؤمن باشند . اما وقتی می‌بینیم ؛ نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنان است و نه علم و آگاهی لازم از حقیقت اسلام ناب محمدی دارند ، و نه نوع عملکردشان مطابق با شأن یک مسلمان و مؤمن عزت مند است که " ... يَجْبُونَهُمْ وَيَجْبُونَهُ ، اذلة على المؤمنين ، اعزة على الكافرين ، يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ... " ( مائده / ۵۴ ) ، پس آنچه بر امت اسلامی می‌گذرد ، منطبق بر واقعیت موجود است . لذا بر همه ی آحاد مسلمانان فرض است که هیچگاه سلطه کفار را نپذیرفته و کاری کنند که کافران از این سلطه گری مأیوس باشند و هر طرح ، عهد نامه و رفت و آمدی که راه نفوذ سلطه جویان بر مسلمانان را باز کند ، بر خویش حرام بدانند . البته رفت و آمد ، کسب اطلاع ، آموزش و تبادل مسائل مختلف فرهنگی ، اقتصادی و غیره که به دور از سلطه ی کفار و ذلت مؤمنان باشد ، مانعی ندارد . که روایات هم به این مطلب اشاره دارد: " اطلبوا العلم ولو بالصين : علم بیاموزید ، گرچه در چین باشد . " و در زمان معصومین علیهم السلام معاملات میان مسلمانان و دیگران انجام می‌شده است . امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: "هیچ عزیزی حق را ترك نکرد ، مگر این که ذلیل شد و هیچ ذلیلی به حق عمل نکرد مگر این که عزیز شد . (تحف العقول ص ۴۸۹)"

#### پرسشهای توضیحات:

۱- کدام گزینه شرط عدم تسلط کافران (از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی) بر مؤمنان است ؟

(الف) آمادگی عمومی (ب) رشد اقتصادی (ج) اینکه مسلمانان به واقع مؤمن باشند (د) مذاکره سیاسی

۲- در کلام امام حسن عسکری (علیه السلام) کدام گزینه باعث عزیز شدن است ؟

(الف) دارایی و ثروت زیاد (ب) به حق عمل کردن (ج) زیاد عبادت نمودن (د) مهربانی و بخشش

## آیه شماره (۲۰)

موضوع: « راز کسب محبوبیت اجتماعی »

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (مریم / ۹۶)

### ترجمه:

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی (در دها)

قرار می‌دهد.

### توضیح:

حتماً برای شما هم پیش آمده که برخی افراد را بدون رابطه و آشنایی قبلی، از صمیم قلب دوست بدانید! راز این محبوبیت چیست؟ خداوند متعال پرده از این راز برمی‌دارد: " ان الذين امنوا و عملوا الصالحات ... " ایمان و کارشایسته، کلید محبوبیت نزد مردم است. ایمان و عمل به طاعات الهی، بازتابی دارد به وسعت عالم هستی و شعاع محبوبیت حاصل از آن تمام پهنه آفرینش را فرا می‌گیرد.

علی (ع) می‌فرماید از رسول اکرم (ص) در مورد " سیجعل لهم الرحمن ودا " سؤال کردم، فرمود: " القاء این محبت در قلوب اهل ایمان و فرشتگان مقرب است. یا علی! همانا پروردگار به مؤمن سه فضیلت مرحمت کرده است: محبت، حلاوت ( شیرینی ) و مهابت ( بزرگی ) در قلوب مردم صالح و نیکوکار ( الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۸۷ ) "

محبوب شدن، رحمتی الهی است که نصیب مؤمنان و صالحان می‌شود و حتی گفته شده است که این آیه مقید به القاء محبت ایشان در دلهای مؤمنان هم نیست بلکه حتی ممکن است افراد ناپاک و آلوده هم از تقرب و نزدیکی آنان لذت ببرند و دوستشان بدانند؛ لذا بسیار دیده‌ام که به هنگام مرگ یکی از همین انسانهای وارسته، دیدگان همه حتی افراد لایبالی و فاسق هم گریان است. از مصادیق مهم این القاء محبت و دوستی، حب و دوستی امیرالمؤمنین علی (ع) است که امام صادق (ع) فرمود: مؤمنی نیست مگر آنکه در قلب او دوستی علی (ع) باشد. ( تفسیر برهان / ج ۳ / ص ۲۷ )

### پرسشهای توضیحات:

۱- کلید محبوبیت نزد مردم از نظر قرآن چیست؟

الف) نماز و روزه      ب) حج و جهاد      ج) ایمان و کارشایسته      د) خوش رفتاری

۲- از مصادیق مهم القاء محبت، در کلام امام صادق علیه السلام کدام گزینه است؟

الف) حب و دوستی امیرالمؤمنین علی (ع)      ب) مهابت      ج) دوست داشتن دیگران      د) حلاوت

## آیه شماره (۲۱)

موضوع: « دوستی با چه کسی؟! »

يَا وَيْلَتِي لِيَتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلًاآ حَلِيْلًا (فرقان/ ۲۸)

### ترجمه:

ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم!

### توضیح:

یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل سازنده ی شخصیت انسان ، همنشین و دوست و معاشر است. چرا که آدمی تأثیر پذیر است و بخش مهمی از افکار و ویژگی های اخلاقی و رفتاری خود را از طریق دوستانش کسب می کند . حال اگر به خاطر معاشرت با دوستان ناباب و آلوده ، به انحراف کشیده شده و از مسیر سعادت و رستگاری فاصله بگیرد ، در روز قیامت به هنگام " یوم تبلی السرائر " (کنار رفتن پرده های جهل و نادانی ) ناله سر می دهد : " یا ویلتی ... " یا می گوید : " ای کاش ، فاصله ی میان من و تو ( همنشین بد ) فاصله ی بین مشرق و مغرب بود " ( زخرف / ۳۷ و ۳۸ )

مسائل زیادی در این باب مطرح است ؛ از جمله : راه های شناخت دوست ، مرزهای دوستی ، ادامه ی دوستی ، قطع دوستی ، انگیزه های دوستی ، حقوق دوست ، آداب معاشرت با دوستان و ... که آیات و روایات به آنها پرداخته است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود : " اگر در شناخت کسی به شک افتادید ، به دوستانش بنگرید که کیانند ؟ ( فانظروا الی خلطائه ) ( بحار / ج ۷۴ / ص ۱۹۷ )

تو توانی کن حذر از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها همین بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زند

از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند : بهترین دوست کیست ؟ فرمود : کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد و گفتارش به علمتان بیفزاید و کردارش یاد قیامت را در شما زنده کند . "

همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- چرا همنشین و دوست از مهمترین و مؤثرترین عوامل سازنده ی شخصیت انسان می باشد ؟
- ( الف ) زیرا آدمی تأثیر پذیر است  
( ب ) کسب بخش مهمی از افکار از طریق دوستان  
( ج ) کسب خیلی از ویژگی های اخلاقی و رفتاری از طریق دوستان  
( د ) همه ی موارد

- ۲- بهترین دوست در کلام پیامبر اکرم (ص) کیست ؟
- ( الف ) دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد  
( ب ) گفتارش به علمتان بیفزاید  
( ج ) کردارش یاد قیامت را در شما زنده کند  
( د ) همه ی موارد

## آیه شماره (۲۲)

**موضوع:** « مهمترین محیط تربیت و تعلیم فرزندان کجاست؟ »

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا .... (آل عمران / ۳۷)

### ترجمه:

خداوند، او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت، و به طرز شایسته ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)...

### توضیح:

پذیرش دعا، جلوه ای از ربوبیت خداوند متعال است؛ «فتقبلها ربها». قبولی پروردگار هم درجاتی دارد؛ خداوند نذر مادر مریم را به دلیل اخلاص به بهترین وجه پذیرفت؛ «بقبول حسن». سپس بحث پرورش و تربیت مطرح می شود؛ «وانبتها نباتا حسنا». در اینجا کار خداوند را به «انبات» تعبیر کرده یعنی «رویاندن». همانگونه که درون بذر گیاهان استعدادهایی نهفته است، درون وجود آدمی هم استعدادهای عالی وجود دارد که اگر تحت تربیت صحیح و خداپسندانه قرار گیرد، نتایج بسیار والا و بالایی خواهد داشت و آن استعدادها آشکار و شکوفا می شود.

**خانواده**، مهم ترین نهاد تربیتی است که اگر وظایف خود را به درستی انجام دهد، می توان به آینده ی جامعه امیدوار بود. پدر و مادر دور اندیش قاعدتاً سعی می کنند ابزار لازم تربیتی را به خدمت در آورند و با توجه به امکانات و شرایط موجود، فرزندان را برای ورود به جامعه آماده کنند. دستورات در قالب آیات و روایات در این خصوص بسیار زیاد است که به چند نمونه اشاره می شود:

امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) می فرماید: "قطعاً دل نوجوان چون زمینی خالی، آماده ی پذیرش هر بذری است که در آن افکنده شود، پس من به تربیت تو شتافتم پیش از آنکه دلت سخت شود و خاطرت به چیزی اشتغال یابد." (وسائل الشیعه/ ج ۱۵ / ص ۱۹۷)

و نیز امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: "حقّ فرزند بر پدر، آن است که نام فرزند را نیکو قرار دهد و او را با ادب و آراسته تربیت کند و قرآن را به او بیاموزد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹)

و پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "کودکان رادوست بدارید و با آنان مهربان باشید؛ وقتی به آنان وعده می دهید حتماً وفا کنید، زیرا کودکان، شما را رازق خود می پندارند." (وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۳۲)

### پرسشهای توضیحات:

۱- امیدوار بودن آینده ی جامعه به چیست؟

(ب) فراهم نمودن امکانات رفاهی

(الف) انجام درست وظایف در خانواده

(د) گذشت از خطای دیگران

(ج) داشتن برنامه های شاد در اجتماع

۲- در کلام امیرالمؤمنین (ع) کدام گزینه، وظیفه پدر نسبت به فرزند است؟

(د) همه ی موارد

(ج) قرآن را به او بیاموزد

(ب) او را با ادب تربیت کند

(الف) نام فرزند را نیکو قرار دهد



## آیه شماره (۲۳)

### موضوع: « عفت و پاکدامنی اهل ایمان »

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ... (نور / ۳۰ و ۳۱)

#### ترجمه:

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند...  
و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند...

#### توضیح:

کلمه "يَعْضُوا" از ریشه "غض" به معنای کاستن و پایین آوردن است. چنانکه "لقمان" به فرزندش می‌فرماید: "وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ" یعنی صدایت را پایین بیاور و با صدای بلند صحبت نکن. در اینجا نیز مراد از «غض بصر» بستن چشم نیست، بلکه پایین آوردن نگاه است، به گونه‌ای که انسان نامحرم را نبیند. مراد از "فُرُوج" شرمگاه‌ها است که باید آنها را از نگاه دیگران پوشاند. البته مراد از حفظ فروج در دیگر آیات قرآن، حفظ از زناست، ولی در این آیه، بر اساس روایات، "حفظ از نگاه" است. آیا زنان باید در يك مسابقه بی پایان در نشان دادن اندام خود و تحریک شهوات و هوس‌های آلوده مردان درگیر باشند و یا باید این مسائل از محیط اجتماع بر چیده شود، و به محیط خانواده و زندگی زناشویی اختصاص یابد؟! اسلام طرفدار برنامه دوم است و حجاب جزئی از این برنامه محسوب می‌شود، در حالی که غربی‌ها و غرب‌زده‌های هوسباز طرفدار برنامه اولند! اسلام می‌گوید کامیابی‌های جنسی اعم از آمیزش و لذت‌های سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن، گناه و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می‌باشد. اسلام می‌خواهد مردان و زنان مسلمان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند، و این یکی از فلسفه‌های "حجاب" است. اما دو نکته: (۱) اینکه در این آیات، حفظ نگاه و عفاف و پاکدامنی از مردان آغاز می‌شود و سپس این دستورات به بانوان ابلاغ می‌گردد. (۲) در ادامه ی آیه ۳۱ به جمله ی "ولا یبدین زینتهن الا..." می‌رسیم که حتماً باید مورد مطالعه ی دقیق بانوان مؤمنه قرار گیرد و حدودش را در رساله‌های عملیه و نظرات فقها و مراجع عظام پیگیری نمایند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: نگاه بد، تیری از تیرهای مسموم شیطان است؛ هر کس از ترس (عذاب) خدا چشم خود را فرو بندد، خداوند به او ایمانی می‌دهد که از درون، شیرینی آن را احساس می‌کند. (بخار، ج ۱۰۴، ص ۳۸)

#### پرسشهای توضیحات:

۱- باتوجه به آیات فوق، حفظ نگاه و عفاف و پاکدامنی از چه کسانی آغاز می‌شود؟

الف) زنان

ب) مردان

ج) جوانان

د) سالنندان

۲- هدیه شیرین خدا به کسی که از ترس (عذاب) خدا چشم خود را فرو بندد چیست؟

الف) هدیه ی بهشتی

ب) خانه ای در دنیا

ج) ایمان درونی

د) اسلام

## آیه شماره (۲۴)

### موضوع: « دنیا گشت زار آخرت است! »

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ

وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (قصص / ۷۷)

**ترجمه:** و در آنچه خداوند بر تو بخشیده است، سرای آخرت را بجوی [و در عین حال] بهره‌ات را از دنیا هم فراموش مکن، و همچنانکه خداوند به تو نیکی کرده است، نیکی کن، و در این سرزمین فتنه و فساد مجوی که خداوند تبه‌کاران را دوست ندارد.

### توضیح:

این عبارت در میانه‌ی داستان "قارون" و گفتگوی مؤمنین بنی اسرائیل با اوست. "قارون" از قوم حضرت موسی (ع) بود که به دلیل ثروت فراوان و عدم ظرفیت کافی و فقدان ایمان قوی، به انحراف، استکبار، ظلم و تعدی کشیده شد. مؤمنین به او گفتند: "لا تفرح؛ ان الله لا يحب الفرحین": این همه خوشحالی توأم یا غرور و تکبر نداشته باش که خدا شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد. سپس بعد از این نصیحت، چهار اندرز پر مایه و سرنوشت ساز دیگر به او می‌دهند که در این گفتار به ۲ موعظه اشاره می‌کنیم:

۱- "و ابتغ فیما ... " در آنچه خدا به تو عطا کرده (مال دنیا)، خانه‌ی آخرت خود را تعمیر و آباد کن. بدان که دنیا وسیله

است نه هدف. "الدنیا مزرعه الاخره": دنیا کشتزار آخرت است. « (حدیث مشهور نبوی-

بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۵)

۲- "ولا تنس نصیبک ... " سهم و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن. واقعیت آن است که سهم هر کسی از دنیا محدود است و

مازاد آن زیادی است. امام علی (ع) می‌فرماید: «ای فرزند آدم! هر چه بیشتر از مقدار خوراکت به دست آوری، خزانه‌دار

دیگران در آن مورد خواهی بود! (نهج البلاغه کلمه قصار ۱۹۲)

امام علی (ع) در تفسیر جمله‌ی "ولا تنس نصیبک من الدنیا" فرمود: «یعنی از سلامتی، قوت، فراغت، جوانی و شادابی خود برای

آخرت استفاده کن» (تفسیر نور الثقلین)

### پرسشهای توضیحات:

۱- علت انحراف و ظلم و تعدی قارون چه بود؟

الف) ثروت فراوان      ب) عدم ظرفیت کافی      ج) فقدان ایمان قوی      د) همه‌ی موارد

۲- در بیان تفسیری امام علی (ع) برای عبارت "ولا تنس نصیبک من الدنیا" چه مواردی را برای آخرت باید به کار گرفت؟

الف) سلامتی، جوانی و شادابی      ب) قوت، فراغت      ج) ثروت اندوزی      د) گزینه الف و ب

## آیه شماره (۲۵)

### موضوع: « دعا و درخواست برای داشتن خانواده ای صالح و سالم »

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (فرقان / ۷۴)

**ترجمه:** و (بندگان رحمان) کسانی هستند که می گویند: پروردگارا ؛ به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.

**توضیح:** یکی از ویژگی های " عباد الرحمن " توجه خاص آنان به تربیت خانواده و فرزندان است و در این رابطه برای خود مسؤولیت فوق العاده ای قائلند و آنها پیوسته از درگاه خدا می خواهند که: " رَبَّنَا هَبْ لَنَا... ". بدیهی است منظور این نیست که تنها در گوشه ای بنشینند و دعا کنند! بلکه دعا، دلیل شوق و عشق درونی شان بر این امر است و رمز تلاش و کوشش در این راه .

" قُرَّةَ أَعْيُنٍ " در لغت به معنای خنک شدن دیدگان و کنایه از خوشحالی و مسرت است و در اینجا اینگونه معنا می شود: " همسران و فرزندانمان، موفق به طاعت خدا و اجتناب از معاصی شوند و در نتیجه ی عمل صالح ایشان، چشم " عباد الرحمن " روشن شود و مسرور و خوشحال باشند. " و این نشانه ای است بر اینکه " بندگان رحمان "، اهل حقند و پیروی از هوای نفس نمی کنند؛ زیرا آن همسر و فرزندی را دوست می دارند که بنده ی خدا باشد!

" وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا " همت بندگان رحمان آن چنان والاست که می خواهند امام و پیشوای جمعیت مؤمنان باشند و دیگران را نیز به این راه دعوت کنند. یعنی آنان چون زاهدان گوشه گیر، به کنج انزوا نمی روند بلکه سعیشان این است که دست دیگران را بگیرند و الگوی مناسب برای طالبان هدایت الهی باشند.

امام علی (ع) ضمن قرائت این آیه فرمود: " از خداوند فرزندان زیبا رو و بلند قامت نخواستیم، بلکه فرزندان مطیع و ترسان از خداوند خواستیم تا اینکه هر بار به آنها می نگرم در حالی که مطیع خداوند هستند، چشمانم روشن شود. " (بحار الانوار / ج ۱۰۱ / ص ۹۸)

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- در نتیجه چه چیزی چشم " عباد الرحمن " روشن و مسرور می شود؟  
الف) نماز و روزه      ب) عمل صالح همسران و فرزندانمان      ج) جهاد در راه خدا      د) انفاق به نیازمندان
- ۲- باتوجه به کلام امام علی (ع) درخواست ایشان از خداوند چه بود؟  
الف) فرزندان مطیع و ترسان از خداوند      ب) فرزندان زیبا رو و بلند قامت      ج) فرزندان بسیار      د) فرزندان نیرومند

## آیه شماره (۲۶)

**موضوع:** « دیو چو بیرون رود، فرشته در آید »

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (اسراء / ۸۱)

### ترجمه:

و (به امت) بگو که (دین) حق آمد و باطل نابود شد، همانا باطل نابود شدنی است!

**توضیح:** در این آیه کریمه به یک اصل کلی و اساسی دیگر و یک سنت جاودان الهی می‌رسیم که مایه دلگرمی و چشم‌اندازی امید بخش برای همه پیروان حق است و آن اینکه سرانجام، حق پیروز است و باطل به طور قطع نابود شدنی است. باطل، صولت و دولتی دارد، رعد و برقی می‌زند؛ کفر و فری‌نشان می‌دهد ولی عمرش کوتاه است و نهایتاً به دره نیستی سقوط می‌کند.

در آیات دیگری هم به این سنت و مفهوم اشاره شده است از جمله:

" فاما الزبد فيذهب جفاء و اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض": پس اما کف (روی آب) بیرون افتاده، از بین می‌رود و اما آنچه به مردم سود می‌رساند (مانند آب) در زمین باقی می‌ماند (رعد / ۱۷)

" و مثل کلمه خبیثه کسجیره خبیثه اجتثت من فوق الارض مالها من قرار": و مثل سخن ناپاک مانند درخت ناپاک است که از زمین کنده شده و هیچ ثباتی ندارد" (ابراهیم / ۲۶)

در تفاسیر مصادیقی برای آیه ی " وقل جاء الحق... " بیان شده است؛ مثل ظهور اسلام، ورود به مدینه، فتح مکه و شکستن بت‌ها و حتی قیام حضرت مهدی (عج). ولی این آیه دارای مفهوم گسترده‌ای است که تمامی این مصادیق و مشابه آن را شامل می‌شود.

### چند پیام:

- ۱- پیامبر باید با قاطعیت، پیروزی نهایی حق را به مردم اعلام کند. " قُلْ جَاءَ الْحَقُّ "
- ۲- باید حق را به میدان آورد تا باطل از بین برود. جاء... زَهَقَ
- ۳- عاقبت، باطل رفتنی و نابود شدنی است و حق، باقی و پایدار. جاء... زَهَقَ (فعل ماضی نشانه قطعی بودن است).
- ۴- از جلوه‌ها و مانورهای باطل نباید هراسید که دوامی ندارد. " كَانْ زَهُوقًا "

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- در آیه کریمه " قُلْ جَاءَ الْحَقُّ " به کدام اصل کلی و سنت الهی اشاره شده است؟  
**الف)** سنت پیروزی حق و نابودی باطل    **ب)** سنت بازتاب اعمال    **ج)** سنت هدایت تکوینی    **د)** سنت تبشیر و انذار
- ۲- کدام گزینه از مصادیق مهم آیه ی " وقل جاء الحق... " است؟  
**الف)** قیام حضرت مهدی (عج)    **ب)** ظهور اسلام    **ج)** فتح مکه    **د)** همه ی موارد

## آیه شماره (۲۷)

### موضوع: « تنظیم اسناد تجاری و حقوقی در طولانی ترین آیه قرآن »

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ... (بقره / ۲۸۲)

**ترجمه:** ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید...

**توضیح:** یکی از مشکلات و معضلات جامعه ی انسانی ، بن بست ها ، اختلافات و نزاع هایی است که به خاطر روابط اقتصادی بین مردم به وقوع می پیوندد. در آیه کریمه مذکور ، احکام و مقررات دقیقی برای امور تجاری و اقتصادی بیان شده است تا این مشکلات مرتفع شده و سرمایه ها رشد طبیعی خود را پیدا کند .

**چند نکته:**

- تنظیم سند ، حتی در معاملات نقدی مفید است ولی در معاملات نسیه مفید تر و مهم تر!
  - در معاملات موعددار ، ممکن است طرف های معامله و یا شاهدان از دنیا بروند یا فراموش کنند ؛ لذا لازم به نگارش هم هست . و البته باید که همراه با گواهی افراد عادل باشد تا قابلیت استشهاد داشته باشد.
  - دیگر آنکه جامعه ی اسلامی باید در حفظ حقوق یکدیگر را حمایت کنند و در معاملات کاتب و شاهد داشته باشند .
  - در این آیه ، ۱۹ دستور مهم در معاملات اقتصادی بیان شده است ، که به ۳ مورد مهم تر آن اشاره می شود و مطالعه و دقت در بقیه دستورات را برعهده ی خود عزیزان می گذاریم .
- ۱- " یا ایها الذین ءامنوا اذا تداييتنم ... فاکتوبوه " مجاز بودن قرض و وام ، تعیین مدت برای وام ها ، شامل عموم بدهی ها مانند سلف و نسیه و قرض و مهم تر از همه ، نگارش صورت وضعیت اقتصادی طرف های معامله .
- ۲- " و لیکتب بینکم کاتب بالعدل " برای اطمینان و حفظ قرارداد از دخل و تصرف طرفین ، تنظیم و نگارش توسط شخص سومی که عادل است ، انجام شود .
- ۳- " ولا یاب کاتب... " به شکرانه ی سواد و علمی که خداوند به ما داده است ، کارگشایی کنیم و از این امر مهم شانه خالی نکنیم .

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- در معاملات موعددار چه چیزی لازم است ؟
- الف)** نگارش و گواهی فرد عادل **ب)** دخل و تصرف دیگران **ج)** شانه خالی کردن شاهدان **د)** گواهی افراد غیرعادل
- ۲- باتوجه به عبارت " ولا یاب کاتب... " ، وظیفه آحاد جامعه اسلامی کدام است ؟
- الف)** رعایت ادب و اخلاق **ب)** کارگشایی **ج)** احترام نمودن به دیگران **د)** مراقبت نمودن از خود

## آیه شماره (۲۸)

**موضوع:** « ماندگاری عمل در گرو خالص بودن آن »

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَنَأْتُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَكَلَّا شُكُورًا (انسان / ۹)

**ترجمه:** ( نیکان می گویند ) ما فقط شما را برای رضای خدا اطعام می‌کنیم ، و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی‌خواهیم .  
**توضیح:** دیگر عمل برجسته ایشان ( ابرار ) که البته مهم ترین شاخصه ی بندگان خاص پروردگار می باشد ، "اخلاص" است . که می گویند : " انما نطعمکم لوجه الله ... " اعمال اینان مخلصانه و برای ذات پاک خداوند است و هیچ چشم داشتی به پاداش مردم و حتی تقدیر و تشکر آنها ندارند .

اصولاً در اسلام و فرهنگ دینی ، ارزش عمل به خلوص آن است ؛ و گرنه اعمالی که انگیزه های غیر الهی داشته باشد ، خواه برای ریا و خودنمایی یا به خاطر هوای نفس ، یا به جهت تشکر و قدردانی مردم و یا به خاطر پاداش مادی ، هیچگونه ارزش معنوی و الهی ندارد ! و حدیث مشهور پیامبر اکرم (ص) : " لا عمل الا بالنیة و انما الاعمال بالنیات : عملی بدون نیت خالصانه پذیرفته نمی شود و قطعاً اعمال با نیت (الهی) پذیرفتنی است . " اشاره به همین معنا دارد .  
منظور از "وجه الله" همان ذات پروردگار است و گرنه خدا که صورت جسمانی ندارد ! و این همان چیزی است که در سایر آیات قرآن نیز روی آن تکیه و تأکید شده است ، مانند :

" وما تنفقون الا ابتغاء وجه الله " (بقره / ۲۷۲) یا "واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه" (کهف / ۲۸)

پیامبر (ص) فرمودند: " اخلص قلبك یکفیک القلیل من العمل : قلبت ( نیتت ) را خالص کن ، عمل کم نیز تو را کفایت می کند . " (بخار ، ج ۷۰ ، ص ۱۷۵)  
امیر المؤمنین (ع) فرمودند : " العمل کله هباء الا ما اخلص فیه : همه ی اعمال انسان بر باد فنا می رود جز عملی که خالصانه برای خدا باشد . " ( غرر الحکم ، ص ۹۲)  
حضرت زهرا (س) فرمود : " من اصعد الی الله خالص عبادته اهبط الله الیه افضل مصلحته : کسی که عبادت خود را برای خدا خالصانه تقدیم کند ، خداوند (نیز) بهترین مصلحتش را نصیبش می نماید . " ( بخار ، ج ۷۰ ، ص ۲۴۹)

### پرسشهای توضیحات:

- ۱- مهم ترین شاخصه ی بندگان خاص پروردگار چیست ؟  
الف) کثرت اعمال      ب) اخلاص در عمل      ج) انفاق به نیازمندان      د) صدقه فراوان
- ۲- کدام شاخصه ، ارزش معنوی و الهی اعمال را نابود می کند ؟  
الف) ریا و خودنمایی      ب) هوای نفس      ج) تشکر و قدردانی مردم      د) همه ی موارد

## آیه شماره (۲۹)

**موضوع:** « یأس از رحمت خداوند، هرگز! »

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ

(زمر / ۵۳)

**ترجمه:** (ای رسول رحمت) بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! هرگز از رحمت خدا نا امید نشوید ، البته خدا همه گناهان را (چون توبه کنید) خواهد بخشید، که او خدایی بسیار آمرزنده و مهربان است.

**توضیح:** خداوند مهربان در این آیه ی کریمه با لحنی آکنده از نهایت لطف و محبت ، آغوش رحمتش را به روی همگان باز کرده و فرمان عفو آنها را صادر نموده است ؛ " قل یا عبادى ... ". تعابیر این آیه نشان می دهد که از " امید بخش ترین " آیات قرآن مجید نسبت به همه گناهکاران است . شمول و گستردگی آن به اندازه ای است که امیرالمؤمنین (ع) فرمود : " در تمام قرآن ، آیه ای وسیع تر از این آیه ( در خصوص رحمت و مغفرت ) نیست " ! دلایل این وسعت :

- ۱- تعبیر " یا عبادى " : ای بندگان من " آغازگر لطف پروردگار است .
- ۲- تعبیر " اسراف " به جای " ظلم و گناه و جنایت " نیز لطف دیگری است.
- ۳- تعبیر " على انفسهم " ( بازگشت گناهان به خود انسان ) نشانه دیگری از محبت خداوند است ؛ همانگونه که یک پدر دلسوز به فرزندش می گوید : " این همه به خود ستم مکن ! "
- ۴- تعبیر " لا تقنطوا " با توجه به اینکه " قنوط " به معنای مأیوس شدن از خیر است ، خود به تنهایی دلیلی است بر حرام بودن ناامیدی از لطف الهی !
- ۵- تعبیر " من رحمه الله " پس از " لا تقنطوا " تاکید بیشتری است بر این لطف و محبت .
- ۶- جمله " ان الله يغفر الذنوب جميعاً " با تأکید و نیز " ال " در کلمه " الذنوب " که همه ی گناهان را بدون استثنا در برمی گیرد ، اوج دریای بی انتهای رحمت و مغفرت پروردگار است . و البته کلمه ی " جميعاً " بر تاکید و امیدواری آن می افزاید .
- ۷- و بالاخره توصیف خداوند با " غفور و رحيم " که از اوصاف امید بخش پروردگار سبحان است ، جایی برای یأس و ناامیدی باقی نمی گذارد.

**نکته مهم :** و البته همه ی اینها نصیب بندگان می شود که با توجه به سوی خداوند بازگردند .  
**امام باقر (ع)** فرمود : " کسی که از گناه توبه کند ، همچون کسی است که گناه نکرده است . و کسی که استغفار می کند در حالی که به گناه ادامه می دهد مانند کسی است که خدا را مسخره می کند ! " ( کافی ، ج ۲ ، ص ۳۱۶ )

### پرسشهای توضیحات :

۱- با توجه به توضیح آیه ، کدام تعبیر به تنهایی دلیل بر حرام بودن ناامیدی از لطف الهی می باشد ؟

الف) یا عبادى      ب) غفور و رحيم      ج) الذنوب      د) لا تقنطوا

۲- در کلام امام باقر (ع) ؛ استغفار کننده ای که به گناه ادامه می دهد ، مانند کیست ؟

الف) کسی که خدا را مسخره می کند      ب) کسی که به خدا دشنام می دهد      ج) دروغگویان      د) حيله گران

### آیه شماره (۳۰)

#### موضوع: « بهار جلوه ای از رحمت الهی بر زمینیان »

فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتِي وَهُوَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (روم / ۵۰)

**ترجمه:** پس (ای بشر دیده باز کن و) آثار رحمت (نامتناه‌ای) الهی را مشاهده کن که چگونه زمین را پس از مرگ (و دستبرد خزان باز به نفس باد و باران بهار) زنده می‌گرداند! محققا همان خداست که مردگان را هم (پس از مرگ) باز زنده می‌کند و او بر همه امور عالم تواناست.

**توضیح:** "بهار"، جلوه‌ی حیات دوباره‌ی طبیعت مرده و فسرده است. تکیه روی کلمه "فانظر" شاید اشاره به این است که آنقدر آثار رحمت الهی در حیات دوباره‌ی زمین‌های مرده، آشکار است که با نگاهی ظاهری، حس می‌شود. تعبیر به "رحمت الهی" در مورد "باران" اشاره به آثار با برکت آن دارد:

✓ باران، زمین‌های خشک را آبیاری و بذرها را بارور می‌کند.

✓ باران به درختان، زندگی و حیات نوین می‌بخشد.

✓ باران، گرد و غبار هوا را فرو می‌نشاند و محیط زیست انسان را سالم و پاک می‌کند.

✓ باران، هوا را مرطوب و ملایم و برای انسان قابل استنشاق می‌کند.

✓ باران، به زمین فرو می‌رود و بعد از چندی به صورت قنات‌ها و چشمه‌ها ظاهر می‌شود.

✓ باران، هوای گرم و سرد، هر دو را تعدیل می‌کند؛ از گرمی می‌کاهد و سردی را قابل تحمل می‌کند.

و خواص بی‌شمار دیگر! بارش باران و حیات مجدد زمین، نشانه‌ای از برپایی قیامت است؛ "یحیی الارض"، "لمحی الموتی" صحیحی مرگ و حیات، هر لحظه جلو چشم ماست. تعبیر به "رحمت" در مورد "باران" در آیات دیگری هم منعکس شده است: "فرقان / ۴۸"، "نمل / ۶۳"، و در آیه ۲۸ سوره "شوری" می‌خوانیم: "وهو الذی ينزل الغيث من بعد ما قنطوا و ينشر رحمته: او کسی است که باران را نازل می‌کند بعد از آنکه مردم ناامید شده‌اند و دامنه رحمت خود را می‌گسترانند." پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "اذا رايتم الربيع فاكثروا ذكر النشور". هر وقت بهار را دیدید، بسیار از قیامت یاد کنید. (مفاتیح الغیب / جلد ۱۷ / ص ۱۹۴)

#### پرسشهای توضیحات:

۱- تکیه روی کلمه "فانظر" اشاره به چه چیز دارد؟

الف) برپایی قیامت      ب) مرگ و حیات      ج) محسوس بودن آثار رحمت الهی      د) مرگ و قیامت حتمی است

۲- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "هرگاه بهار را دیدید، ..."

الف) بسیار از قیامت یاد کنید      ب) به شکرانه رحمت الهی، سجده کنید      ج) به یاد زنده شدن طبیعت بiftید      د) همه موارد



## آیه شماره (۳۱)

### موضوع: « کار و تلاش جوهره‌ی انسان »

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (قصص / ۷۳)

**ترجمه:** و از رحمت‌های خدا آن است که شب و روز را برای شما قرار داده تا در شب آرام گیرید و در روز از فضل خدا (یعنی روزی) طلب کنید، و باشد که شکرگزار (نعمت‌های خدا) شوید.

**توضیح:** حتماً شما هم شنیده اید که کار و تلاش، جوهره‌ی هر انسان است و اصولاً هیچ مرتبه‌ای از درجات دنیوی و اخروی بدون تلاش و کوشش وافر حاصل نمی‌گردد. این آیه‌ی کریمه و آیات مشابه آن تأکید بر این مطلب دارد که استراحت و آرامش شامگاهان مقدمه‌ای است برای کار و تلاش، تولید و اشتغال و بهره‌مندی از مواهب و وسایلی که خداوند متعال برای کار فعالیت و بهره‌وری هرچه بیشتر در اختیار آدمیان قرار داده است.

- "ومن رحمته جعل لكم الليل والنهار" در قرآن کریم همیشه شب بر روز مقدم است. شاید از آن جهت که تاریکی شب، ذاتی زمین و از خود آن است ولی روشنی روز، از خورشید است که بر زمین عارض می‌شود.

- "لتسكنوا فيه و لتبتغوا"، آرامش شب، مقدمه‌ی تلاش روزانه است.

- "و من رحمته ..."، اعطای نعمت، نیاز او یا طلب ما نیست! بلکه بخشنده‌گی و رحمانیت اوست.

- "ومن رحمته ... لتبتغوا"، آری خداوند بخشنده است ولی انسان باید تلاش کند.

- "لتسكنوا فيه و لتبتغوا من فضله"، شب برای آسایش و استراحت و روز برای کار و فعالیت است.

- "من فضله"، آنچه به دست می‌آوریم از فضل اوست. مبادا به خود مغرور شویم.

- "لتسكنوا ... لتبتغوا ... لعلکم تشکرون"، نعمت‌های مادی باید مقدمه‌ای برای شکرگذاری و کسب مراتب معنوی و قرب الی الله باشد.

- "لعلکم تشکرون"، دنیا اگر وسیله‌ای برای رشد، تقرب و شکر به درگاه الهی باشد، مذموم و منفور نیست. "الدنيا مزرعة الاخرة: دنیا کشتزار آخرت است."

### پرسشهای توضیحات:

۱- از عبارت "من فضله" می‌آموزیم که: آنچه به دست می‌آوریم از ..... اوست، مبادا به خود ..... شویم؟

الف) فضل - مغرور      ب) رحمت - ملول      ج) کرم - شیفته      د) الف و ج

۲- اگر دنیا وسیله‌ای برای رشد، تقرب و شکر به درگاه الهی باشد، ..... نیست؟

الف) مورد علاقه انسان      ب) باعث سعادت و خوشبختی      ج) محبوب خداوند      د) مذموم و منفور

## آیه شماره (۳۲)

### موضوع: « دعا، سرچشمه ی عنایت و رحمت پروردگار »

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (فرقان / ۷۷)

**ترجمه:** بگو که اگر دعای شما (و ناله و توبه شما) نبود خدا به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟ چرا که شما کافران (آیات حق را) تکذیب کردید و به کیفر همیشگی آن گرفتار خواهید شد.

### توضیح: "دعا"، راه خودسازی و خداشناسی

در آیات قرآن و روایات وارده، اهمیت زیادی به "دعا" داده شده که نمونه ی آن، آیه ی مذکور است. کلمه "یعبؤا" از ریشه "عَبَا" به معنای سنگینی است. لذا "لا یعبؤا" یعنی: وزنی قائل نیست؛ اعتنایی نمی کند.

کلمه ی "دعَاؤُكُمْ" دو جور معنا شده است: ۱- دعا کردن شما به درگاه خداوند. که همین دعاها و درخواست ها، سبب عنایت خداوند به شماست. ۲- دعوت خداوند از مردم. زیرا سنت الهی دعوت مردم به پذیرش حق و اتمام حجت بر آنان است. و اگر این دعوت نباشد، مردم ارزشی ندارند. آنچه آنان را ارزشمند می کند، همانا پذیرش دعوت خداوند است.

**شرایط دعا:** ۱- شناخت کسی که انسان او را می خواند. ۲- شستشوی قلب و جان و آمادگی روح برای تقاضا از حضرت حق. ۳- جلب رضایت و خشنودی پروردگار. ۴- به کارگیری حداکثر توان و نیرو، تلاش و کوشش و توجه همه جانبه به سوی خالق بی نیاز.

**نکته مهم:** در روایات آمده: کاری را که انسان خود می تواند انجام دهد، اگر کوتاهی کند و به دعا متوسل شود، دعایش مستجاب نمی شود!

✓ پس "دعا"، هم وسیله ای است برای شناخت پروردگار و صفات جمال و جلال او، و هم اسبابی است برای توبه از گناه و پاک سازی روح، و هم عاملی است برای انجام نیکی ها، و هم سببی است برای جهاد و تلاش و کوشش بیشتر تا آخرین توان.

از میان روایات بسیار زیادی که در باب "دعا" آمده است، به این بیان **امیرالمؤمنین علی (ع)** اکتفا می کنیم: "الدعاء مفتاح النجاح و مقالید الفلاح؛ و خیر الدعاء ما صدر عن صدر نقی و قلب تقی: دعا کلیدهای پیروزی و گنجینه های رستگاری است؛ بهترین دعا، دعایی است که از سینه ی پاک و قلب پرهیزکار برخیزد". (کافی / ج ۲ / ص ۴۶۸)

### پرسشهای توضیحات:

۱- کلمه ی "دعَاؤُكُمْ" به چه معنایی آمده است؟  
الف) دعا کردن شما به درگاه خداوند ب) دعوت مردم از اقوام و خویشان ج) دعوت خداوند از مردم د) گزینه الف و ج

۲- باتوجه به بیان **امیرالمؤمنین علی (ع)** بهترین دعا، چگونه دعایی می باشد؟  
الف) برخاسته از سینه ی پاک ب) صادره از قلب پرهیزکار ج) گزینه الف و ب د) دعاها ی طولانی

### آیه شماره (۳۳)

#### موضوع: « رسول خدا (ص) ، دلسوز ترین و مهربان ترین پیامبر »

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (توبه / ۱۲۸)

**ترجمه:** همانا رسولی از جنس شما برای (هدایت) شما آمد که هرگونه ناراحتی (فقر و پریشانی و جهل و فلاکت) شما بر او سخت می آید و بر (آسایش و نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان است.

**توضیح:** سیمای سراسر نور و هدایت ، مهربانی و دلسوزی و همراهی با مردم در همه ی مشکلات و سختی ها در مورد پیامبر عالی مقام خداوند حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) در این آیه کریمه به تصویر کشیده شده است.

✓ استفاده از "من انفسکم" به جای "منکم" ، اشاره به شدت ارتباط پیامبر(ص) با مردم دارد . گویی پاره ای از جان مردم و از روح جامعه در هیئت پیامبر (ص) ظاهر شده است. به همین دلیل :

✓ " عزیز علیه ما عنتم " نه تنها از ناراحتی شما خشنود نمی شود بلکه بی تفاوت هم نیست و به شدت از رنج های شما رنج می برد.

✓ " حریص علیکم " او سخت به هدایت شما علاقه مند است. " حرص " در لغت به معنای شدت علاقه به چیزی است و جالب آنکه به طور مطلق می گوید : " حریص بر شماست! " اشاره به اینکه : به هر نوع خیر و سعادت و هرگونه پیشرفت ، ترقی و خوشبختی شما عشق می ورزد.

✓ " بالمؤمنین رءوف رحیم " خداوند جز برای پیامبر اسلام (ص) ، برای هیچیک از پیامبرانش ، این دو نام (رءوف و رحیم) را اطلاق نکرده است . " رئوف " اشاره به محبت و لطف مخصوص در مورد فرمانبرداران است ؛ در حالی " رحیم " اشاره به رحمت نسبت به گناهکاران دارد . البته این دو کلمه هنگامی که جدا از هم استعمال شود ، ممکن است در یک معنا به کار رود ولی وقتی همراه یکدیگر بیایند قاعدتاً دو معنا خواهند داشت.

#### پرسشهای توضیحات :

۱- در میان پیامبران الهی ، کدام ویژگی ها در قرآن کریم فقط برای پیامبر اسلام (ص) ذکر شده است؟

الف) حکیم      ب) رئوف      ج) رحیم      د) گزینه ب و ج

۲- استفاده از "من انفسکم" به جای "منکم" ، اشاره به چه نکته ای دارد ؟

الف) شدت ارتباط پیامبر(ص) با مردم      ب) رحمت نسبت به گناهکاران      ج) محبت در مورد فرمانبرداران      د) لطف عمومی

## آیه شماره (۳۴)

### موضوع: « تربیت و تعلیم، عالی‌ترین هدف بعثت انبیاء »

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه/۲)

**ترجمه:** او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند، و آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

**توضیح:** " اُمِّيِّينَ " جمع " امی " به معنای درس ناخوانده است، یعنی مکتبی جز مکتب دامان مادرش ندیده. و جالب آنکه، پیامبر اکرم (ص) از میان همین گروه و قشر درس نخوانده برخاسته تا عظمت رسالت او روشن شود و دلیلی باشد بر حقانیت او.

در این آیه هدف از بعثت را در سه امر خلاصه کرده است که یکی جنبه مقدماتی دارد و آن "تلاوت آیات الهی" است و دو امر دیگر یعنی "تهذیب و تزکیه نفوس" و "تعلیم کتاب و حکمت" دو هدف بزرگ نهایی و عالی را تشکیل می‌دهد.

در سه آیه از قرآن کریم، "تزکیه" مقدم بر "تعلیم" آمده و در یک مورد (بقره / ۱۲۹) در دعای حضرت ابراهیم (ع)، "تعلیم" مقدم بر "تزکیه" ذکر شده است. اینها ضمن نشان دادن تأثیر متقابل تزکیه و تعلیم در یکدیگر ( اخلاق زاینده ی علم است همانگونه که علم زاینده اخلاق است )، اصالت تربیت را مشخص می‌سازد.

اما چند نکته :

- ۱) تلاوت قرآن، وسیله و مقدمه تزکیه است و تزکیه مقدم بر تعلیم و تعلّم
- ۲) تزکیه و خودسازی باید در سایه سار مکتب انبیاء و آیات الهی باشد و ریاضت‌ها و رهبانیت‌های غیر شرعی، خود نوعی انحراف است.
- ۳) تزکیه و تعلیم در رأس برنامه‌های انبیاست.
- ۴) در مکتب انبیاء، پرورش روحی و آموزش فکری، در کنار بینش و بصیرت مطرح است.

### پرسشهای توضیحات :

- ۱- کدام یک، از اهداف عالی و نهایی بعثت پیامبران الهی می‌باشد؟  
الف) تلاوت آیات الهی      ب) تعلیم کتاب و حکمت      ج) تهذیب و تزکیه نفوس      د) گزینه ب و ج
- ۲- نتیجه ی ریاضت غیر شرعی که در سایه مکتب انبیاء و آیات الهی نباشد، چیست؟  
الف) تزکیه      ب) تعلیم      ج) انحراف      د) تهذیب



## آیه شماره (۳۶)

**موضوع:** « حکومت جهانی صالحان به پیشوایی امام زمان (عج) »

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء / ۱۰۵)

**ترجمه:** و همانا در (کتاب آسمانی) زبور (که) بعد از ذکر، (تورات، نازل شده) نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من ، وارث زمین خواهند شد.

### توضیح:

" زبور" در لغت به معنای هر نوع نوشته و کتاب است ولی به قرینه ی آیه ی "وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا" (نساء/ ۶۳) محتمل است که مراد ، کتاب **حضرت داود (ع)** باشد که مشتمل بر مجموعه ی مناجات ها و اندرزهای آن حضرت است. مراد از "ذکر" به قرینه ی آیه ی ۴۸ سوره انبیاء ( ولقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکراً للمتقین ) ، تورات است. البته بعضی گفته اند ؛ منظور از ذکر ، "قرآن" است و " زبور" ، تمام کتب آسمانی دیگر و تعبیر "من بعد" معادل کلمه ی "علاوه بر" در فارسی است . لذا آیه این چنین معنا می شود : " ما علاوه بر قرآن در تمام کتب انبیاء پیشین نوشتیم که سرانجام سراسر زمین در اختیار بندگان صالح خدا قرار خواهد گرفت."

حال این سوال مطرح می شود که : آیا تاکنون این فرجام و سرانجام امیدبخش و حرکت آفرین که منتهای آرزوی همه ی مستضعفین بوده است ، به وقوع پیوسته است ؟ که تمام زمین تحت حاکمیت صالحان و شایستگان قرار گیرد ؟ پاسخ این است که : خیر ، تاکنون همه ی عالم تحت سلطه و حاکمیت صالحان قرار نگرفته است.

✓ صالحان کیانند ؟ در روایات متعدد آمده است که وارثان زمین ، **حضرت مهدی (عج)** و یاران آن حضرت اند. (تفسیر نورالثقلین)

✓ برخی روایات هم ، **اهل بیت پیامبر علیهم السلام** را وارثان زمین خوانده است که قاعداً اشاره به بحث "رجعت" دارد. (تفسیر قمی)

### پرسشهای توضیحات:

۱- کتاب حضرت داود (ع) مشتمل بر چیست ؟

**الف)** نصیحت های ایشان به مردم **(ب)** نامه ها و حکمت ها **(ج)** مناجات ها و اندرزهای آن حضرت **(د)** دستورات حکومتی

۲- با توجه به توضیحات فوق ، وارثان زمین کیانند ؟

**الف)** حضرت مهدی (عج) و یاران ایشان **(ب)** حاکمان و رهبران **(ج)** اهل بیت پیامبر علیهم السلام **(د)** گزینه الف و ج

## آیه شماره (۳۷)

**موضوع:** « همه در خدمت مسجد حتی پیامبران (علیهم السلام) »

... وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (بقره / ۱۲۵)

**ترجمه:** ... و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران ( معتکفین و عبادت کنندگان ) و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید.

**توضیح:** مراد از "عهد"، دستور و فرمان الهی است. "عهدنا" یعنی دستور دادیم. "بیتي"، خانه من! خداوند جسم نیست که نیاز به خانه داشته باشد! لذا منظور "اضافه ی تشریفی" است؛ یعنی برای بیان شرافت و عظمت چیزی، آن را به خدا نسبت دهیم؛ مثل: "شهر الله" که لقب ماه مبارک رمضان است و "بیت الله" که کعبه معظمه است. البته ناگفته نماند که در لسان روایات، همه ی مساجد، "بیوت الله فی الارض" خوانده شده اند ولی پر واضح است که شرافت و عظمت برخی مساجد، بالاتر از بعضی دیگر است و در رأس آنها بیت الله الحرام می باشد. منظور از "طهارت" در اینجا چیست؟

۱) بعضی گفته اند: طهارت از لوث وجود بت ها (۲) برخی گفته اند: از آلودگی های که به خاطر بی مبالاتی مردم پدید می آید به ویژه خون و محتویات شکم قربانی هایی که انجام می دادند. (۳) و بعضی گفته اند: طهارت در اینجا به معنای خلوص نیت به هنگام بنای این خانه ی توحید است، یعنی: "ما به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا خالص برای عبادت بندگام کنید". ولی هیچ مانعی نیست که مفهوم طهارت به همه ی اینها برگردد. "و عهدنا الی ابراهیم و اسمعیل ...". در شرافت و عظمت خانه خدا و عبادت و نماز همین بس که پیامبران عالی مقام خداوند متعال، مسئول طهارت و پاکسازی ( آماده سازی ) آن شده اند. پس بر همه ی مسلمانان فرض است که به تأسی از اولیاء الهی، به خدمتگزاری بی دریغ و همه جانبه به "بیوت الله فی الارض" همت کنند. یکی از احکام مسجد نیز پاک نگه داشتن آن است و اگر مسجدی نجس شود، هر فرد مسلمانی که متوجه شود، بر او واجب است که مسجد را تطهیر کند.

### پرسشهای توضیحات:

۱- منظور از "طهارت" در اینجا چیست؟

الف) طهارت از لوث وجود بت ها

ب) طهارت از آلودگی ها به ویژه خون

ج) به معنای خلوص نیت

د) همه ی موارد

۲- اگر مسجدی نجس شود، وظیفه مسلمانان چیست؟

الف) واجب است مسجد را تطهیر کنند

ب) مستحب است مسجد را تطهیر کنند

ج) تطهیر مستحب مؤکد است

د) تطهیر مباح است

## آیه شماره (۳۸)

### موضوع: « رمضان المبارک ، ماه قرب و اجابت »

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره / ۱۸۶)

**ترجمه:** و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند ( بگو) من نزدیکم! دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم، پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند ( و به مقصد برسند).

**توضیح:** برخی از رسول خدا (ص) می پرسیدند: خدا را چگونه بخوانیم؟ آیا خدا به ما نزدیک است که آهسته بخوانیم یا دور است که فریاد بر آوردم؟! که این آیه نازل شد. این آیه بهترین اسلوب و لطیف ترین و زیباترین معنا را برای "دعا" دارد و چون بین آیات مربوط به ماه مبارک رمضان آمده است، به گونه ای دلیل و راهنمایی است برای توجه بیشتر بندگان پروردگار متعال به دعا و نیایش و قرب و نزدیکی بی واسطه با خداوند مهربان در این ماه شریف.

در این آیه تمامی واسطه ها کنار رفته است و هفت بار ضمیر متکلم (من) تکرار شده است؛ "عبادی: بندگان من"، "عنی: از من"، "فانی: پس همانا من"، "اجیب: من اجابت می کنم"، "دعان: مرا بخواند"، "فلیستجیبوا لی: پس باید دعوت مرا بپذیرند"، "ولیومنوا بی: و به من ایمان آورند" که در تمامی قرآن کریم بی نظیر و منحصر به فرد است.

### شرایط استجاب دعا:

۱) پاکی قلب و روح و توبه واقعی از گناهان (۲) پاک کردن زندگی از اموال غصبی و حلال خوری (۳) آمر به معروف و ناهی از منکر باشد و از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق خود داری نکند (۴) پایبندی و عمل به پیمانهای الهی، ایمان و عمل صالح و امانت و درستکاری

**سؤال:** چرا گاهی دعاها به اجابت نمی رسد؟

**پاسخ:** ۱) شاید خیر نخواستیم! یعنی در واقع درخواست مان شر بوده است. ۲) خالصانه و صادقانه نبوده و به غیر هم نظر داشته ایم. ۳) مصلحت ما نبوده است؛ که در این صورت یا بلایی دور می شود و یا برای آینده ما یا نسلمان ذخیره شده و یا در آخرت جبران می شود.

### پرسشهای توضیحات:

۱- کدام گزینه از شرایط استجاب دعا می باشد؟

الف) پاکی قلب و روح      ب) حلال خوری      ج) امانت و درستکاری      د) همه ی موارد

۲- چرا برخی از دعا هایمان به اجابت نمی رسند؟

الف) خالصانه و صادقانه نبوده      ب) برای دنیا دعا کرده ایم      ج) برای دیگران دعا نموده ایم      د) درخواست مان زیاد بوده



## آیه شماره (۳۹)

### موضوع: « مسئولان حکومت اسلامی، احیاگران فرائض الهی »

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج / ۴۱)

**ترجمه:** ( یاران خدا ) کسانی ( هستند ) که هر گاه در زمین به آنها قدرت ( توانایی ) بخشیدم نماز را بر پا می دارند و زکات را ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و ( از هیچ کس جز خدا نمی ترسند چون می دانند که ) پایان همه کارها از آن خدا است.

**توضیح:** "مکانهم ... " مؤمنین حقیقی که عباد صالح پروردگار هستند به هنگام تمکن و قدرت یافتن ، در غرور و مستی فرو نمی روند و چون خود کامگان و جباران به عیش و نوش و لهو و لعب نمی پردازند. بلکه پیروزی ها و موفقیت ها را نردبانی برای ساختن خویش و جامعه قرار می دهند .

" أَقَامُوا الصَّلَاةَ " ، آنها پس از قدرت یافتن به یک طاغوت جدید تبدیل نمی شوند . " صَلَاةٌ " سمبل پیوند با خالق است ؛ لذا ارتباطشان با خدا مستحکم می شود.

" وَآتَوُا الزَّكَاةَ " ، "زکات" رمزی برای پیوند با خلق است ؛ لذا رابطه شان به خلق هم استحکام می یابد.

" وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ " ، با گسترش این دو واجب الهی که پایه های اساسی برای ساختن یک جامعه سالم محسوب می شود ، جامعه ای با ایمان و پویا و رو به پیشرفت را ساماندهی می کنند .

در بعضی روایات گفته شده که این آیه وصف **حضرت مهدی (عج)** و یارانش و **یا آل محمد (ص)** به طور عموم است .

**امام باقر (ع)** می فرماید: "خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره ی حکومت آنان قرار می دهد ؛ آئینش را آشکار می سازد و به وسیله **مهدی (عج)** و یارانش ، بدعت و باطل را نابود می کند ؛ آن چنان که تبهکاران ، حق را نابود کرده بودند . و آن چنان می شود که بر صفحه زمین ، اثری از ظلم دیده نمی شود ؛ چرا که آنان امر به معروف و نهی از منکر می کنند . " ( تفسیر نور الثقلین ، ج ۳ ، ص ۵۰۶ )

البته اینگونه احادیث ، بیان کننده ی مصداق های روشن و آشکار است و مفهوم گسترده ی آیه ، همه ی افراد با ایمان ، مجاهد و مبارز در راه حق را شامل می شود.

### پرسشهای توضیحات:

۱- باتوجه به توضیحات آیه فوق ، مؤمنین حقیقی چه ویژگی هایی دارند؟

**الف)** به هنگام قدرت یافتن ، در غرور و مستی فرو نمی روند.

**ب)** موفقیت ها را نردبانی برای ساختن خویش و جامعه قرار می دهند .

**ج)** مانند جباران به عیش و نوش و لهو و لعب نمی پردازند.

**د)** همه ی موارد

۲- باتوجه به کلام **امام باقر (ع)** در زمان حکومت "**حضرت مهدی (عج)**" کدام گزینه محقق می شود؟

**الف)** آئین خداوند آشکار می گردد. **ب)** بدعت و باطل نابود می شود. **ج)** اثری از ظلم دیده نمی شود. **د)** همه ی موارد

## آیه شماره (۴۰)

### موضوع: « قرآن ، شفا و رحمت برای مؤمنان »

وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء / ۸۲)

**ترجمه:** و ما آنچه از قرآن می فرستیم شفا (ی دل) و رحمت (الهی) برای اهل ایمان است و ظالمان را به جز زیان چیزی نخواهد افزود.

#### توضیح:

"من القرآن" ، کلمه "من" بیانیه است که کلمه ی "ما" را در "ما هو شفاء" معنا می کند . یعنی : " ما نازل می کنیم آنچه را که شفا و رحمت است برای مؤمنین ؛ و آن "قرآن" است .

"شفاء و رحمه ... " ؛ قرآن کریم ، "شفا" است که صفحه ی دل را از انواع امراض و انحرافات پاک می کند و زمینه را برای قبول فضائل آماده می سازد . و "رحمت" است زیرا که پس از مرحله ی پاکسازی ، نوبت به نوسازی می رسد ، یعنی مرحله تخلق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه های فضائل انسانی در وجود افرادی که تحت تربیت قرآن قرار گرفته اند .

به تعبیری دیگر ، "شفا" اشاره به مقام "تخلیه" (پاکسازی) دارد و "رحمت" به مقام "تحلیه" (نوسازی و بهسازی)

"ولا یزید الظالمین الا خساراً" ، چگونه است که ظالمان نتیجه ی عکس می گیرند؟! پاسخ آنکه ، اینان روح و جانشان بر اثر کفر و ظلم و نفاق به شکل دیگری در آمده است که هرچا نور حق را ببینند به مقابله و ستیز با آن بر می خیزند و این عملکرد بر پلیدی آنان می افزاید و روح طغیان و سرکشی را در آنها تقویت می کند .

آیات روح بخش قرآن کریم که "هدی للناس" است ، همچون قطره های حیات بخش باران در حال بارش است ولی در باغ ها و زمین های مستعد ، لاله می روید و ثمر بخش است و در شوره زار ، بی ثمر است ! و چه بسا بر مرداری بیبارد ، بوی تعفنش بیشتر شود ! لذا قرآن می فرماید : "هدی للمتقین"

پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله وسلم ) فرمود: " بر شما باد به پناه و انس با کتاب خدا ؛ زیرا قرآن شفای سودمند و داروی پربرکت است و حافظ کسی است که به آن تمسک جوید و نجات بخش کسی است که از آن پیروی کند." (جامع الاخبار، ج ۱، ص ۴۳۲)

#### پرسشهای توضیحات:

۱- "شفا" اشاره به مقام ..... و "رحمت" اشاره به مقام ..... دارد ؟  
**الف)** پاکسازی - نوسازی    **ب)** نوسازی - پاکسازی    **ج)** پاکسازی - تخلیه    **د)** بهسازی - پاکسازی

۲- باتوجه به عبارت "ولا یزید الظالمین الا خساراً" ، چرا ظالمان نتیجه ی عکس می گیرند ؟  
**الف)** زیرا هرچا نور حق را ببینند به مقابله با آن بر می خیزند .

**ب)** زیرا روح و جانشان بر اثر کفر و ظلم و نفاق به شکل دیگری در آمده است

**ج)** زیرا پلیدی آنان باعث شده تا روح طغیان و سرکشی در آنها تقویت گردد

**د)** همه ی موارد